

پیشانی نو پیرامون
حدیث شریف کسائی میانی
به روایت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها



آینه حیدرتی کربلایی

پڑھشی نو پیرامون

حدیث شریف کسامی میانی

به روایت حضرت فاطمه زہرا سلام اللہ علیہا

آیۃ اللہ حیدر رتبتی کربلائی

تربتی کربلانی، حیدر، 1338 - توشیحگر

حدیث کسا . شرح

پژوهشی نو پیرامون حدیث کسای یمانی به روایت حضرت فاطمه زهراء (س) / مؤلف:

حیدر تربتی کربلانی .

قم : نشر حبیب، 1391. 96 ص 12*17 س.م.

ISBN:978-964-6119-94-9

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

متن حدیث به عربی آورده شده است .

چاپ قبلی: بنی هاشم، 1385.

کتابنامه به صورت زیرنویس .

1. احادیث خاص (کساء) - نقد و تفسیر 2. احادیث خاص (کساء) - مآخذ

نشر حبیب. 1391

1391 4 ت 50422 / 145 BP 218/297

کتابخانه ملی ایران 2923482

پژوهشی نو پیرامون

حدیث شریف کسای یمانی

بر روایت حضرت زهراء سلام الله علیها

آیه الله حیدر تربتی کربلانی

ناشر: نشر حبیب

نوبت و سال چاپ: دوم، 1391 شمسی
(همراه با اضافات)

چاپ: عترةشمارگان: 2000

شابک: 978-964-6119-94-9

خرید و فروش این کتاب، شرعاً جایز نیست و اهدایی می باشد بنابراین بخواهید و ابلاغ رسالت بنمایید .

تمامی حقوق برای مؤلف محفوظ می باشد .

E-mail: Zabihe.ale.mohammad@gmail.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

عَلَيْهِ السَّلَامُ

فِيهِ السَّلَامُ

الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ

الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ

قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَا أَحْمَدُ!
لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاقَ
وَلَوْلَا عَلِيٌّ لَمَا خَلَقْتُكَ
وَلَوْلَا فَاطِمَةٌ لَمَا خَلَقْتُكُمْ

خداوند تبارک و تعالی می فرماید:

ای احمد! اگر آفرینش و خاتمیت تو نبود هستی را نمی آفریدم
و اگر آفرینش و ولایت علی نبود تو را نمی آفریدم
و اگر آفرینش عصمت کبری فاطمه نبود شما دو تن را نیز نمی آفریدم.

«كشف اللثالي» شيخ جليل صالح بن عبدالوهاب بن العرندس قدس سره
متوفای به سال ۸۴۰ هجری قمری بنا به نقل کتاب «جنة العاصمة»
صفحه ۱۴۸ و «مستدرک سفينة البحار»: کلمه (خلق) و (فطم) از «مجمع
النورين و ملتقى البحرين فيما وقع من الجور على والدۃ السبطين»
نوشته: ملا ابو الحسن مرندی قدس سره متوفای به سال ۱۳۴۹ هجری
قمری: ۱۴.

پیش گفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله ربّ العالمين، الذي جعل محمّداً وآله صلوات الله عليهم أجمعين مظاهر جماله و جلاله. الذين أذهب الله عنهم الدّناسات و طهرهم تطهيراً (مطلقاً، مادّياً و معنوّياً)، و الذين هم الصّراط المستقيم و الطّريق الوحيد الى معرفة الله و طاعته، و لولا معرفتهم فالضّلالة لامحالة، فصلّى الله عليهم صلاةً لا نهاية لها، و لعنة الله على أعدائهم و مخالفينهم و ظالمينهم و غاصبي حقوقهم، و مدّعى شئونهم و مراتبهم و الرّاضين بذلك، لعناً دائماً أبدياً الى أبداً آمين.

از گنجینه‌های ارزندهٔ ثانی ثقلین که از محتوای غنی و بابرکت اسرار ولایت کَلِّیهٔ تکوینی برخوردار است؛ حدیث شریف کسا به روایت عصمت کبری، فاطمه زهرا علیها السلام است. این حدیث شریف و نورانی، اگرچه کوتاه است، اما سرشار از مطالب ارزنده‌ای دربارهٔ ولایت کَلِّیهٔ تکوینی و همچنین تفسیر آیات قرآنی و ولایی است که البته نیازمند شرحی جامع و تفسیری ولایی می‌باشد.

هرچند برخی ناآگاهان در صحیح بودن این حدیث شریف تردید ایجاد می‌کنند اما بحمدالله در میان شیعیان و پیروان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، از شهرت و رونق خوبی برخوردار بوده و برای برآورده شدن حاجت‌ها و شفای بیماران خوانده می‌شود.

در این نوشته به حول و قوهٔ الهی و کرم حضرت ولیّ الله العظمی و آیته، صاحبة الولاية الکلیّة الالهیّة و حجة الله علی

الحجج، سیّدۃ نساء العالمین فاطمة الزّهراء صلوات الله و
سلامه علیها و علی اهل بیتها، در صدد پاسخ به آن گفتارهای
بی اساس برآمده ایم و در ادامه، متن حدیث را همراه با
اختلاف نسخه ها و منابع می آوریم.

امیدواریم به درگاه آن حضرت قبول افتد و از عنایت
ایشان بهره مند شویم.

نقل عہولانا امیر المومنین علیہ السلام

اِنَّ فِيَّ طَائِفَةً بَقِيَّةِ النَّبُوَّةِ وَبَنِي خَيْرِ النَّبُوَّةِ وَالْاِمْلَاءِ

زندگانی حضرت فاطمة زہراء سلام اللہ علیہا ص ۲۴۲

مقدمهٔ اوّل: شبهه‌ها دربارهٔ حدیث کساء

گفته شده است: این حدیث به روایت حضرت زهرا علیها السلام و با این مضمون در هیچ‌کدام از کتاب‌های معتبر حدیث خاصّه (شیعیان اهل بیت علیهم السلام) و یا عامّه نیامده است. و «المنتخب» نخستین کتابی است که حدیث را نقل کرده و سندی برای آن ذکر نکرده است و تنها سند ذکر شده برای آن، حاشیه کتاب «العوالم» است و در سند حاشیه «العوالم» از محدّثانی چون سیّد هاشم بحرانی و... تا کلینی رحمهم الله نام برده شده در حالی که در هیچ‌کدام از کتاب‌های حدیثی آنان، حدیث کساء بدین صورت نیامده است.

در پاسخ باید گفت: هنگام شهادت رسول خدا صلی الله علیه و آله و پس از آن، اختناق شدیدی بر جامعه اسلامی حاکم گشت و به شدّت از انتشار حدیث و خبرهای صحیح به این بهانه که «با نشر احادیث رسول خدا صلی الله علیه و آله، قرآن کنار گذاشته می‌شود» و «قرآن

ما را بس است» جلوگیری شد و هرکس تخلف می‌کرد، مورد تعقیب و مجازات قرار می‌گرفت. لعنت خداوند متعال بر کسانی که از گردآوری احادیث رسول خدا ﷺ و ثبت صحیح حوادث تاریخی صدر اسلام، جلوگیری کردند و ما را از بسیاری اطلاعات تاریخی، حدیثی، فقهی، تفسیری و... از منبع وحی، محروم ساختند.

و از میان آن رویدادها، گردآمدن پنج تن آل عبا در خاندان وحی و خانه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است. از طرفی، بسیاری از کتاب‌های معتبر، طیّ قرن‌های متمادی، دستخوش حوادث ناگواری چون سوختن، غارت، فرسودگی و... شده‌اند.

و گاه در کتاب‌خانه‌های دولتی یا شخصی و یا موزه‌های گوشه و کنار جهان، از پیدا شدن برخی از این کتاب‌ها خبر می‌رسد و چنان‌چه شرایط فراهم باشد، چاپ شده و در

اختیار پژوهشگران قرار می‌گیرد. بنابراین عدم الوجدان
لا یدلّ علی عدم الوجود.

علاوه بر این، نخستین منبع این حدیث شریف، که از آن
آگاهی داریم و از اعتبار والایی برخوردار است، کتاب
«الغرر و الدرر» محدّث جلیل دیلمی قدّس سرّه است که در
هفت قرن پیش نگاشته شده و نسخه‌ای از آن در کتابخانه
دانشگاه تهران موجود است. علمایی در عصر ما، این کتاب
را دیده‌اند و ما را از محتوای آن آگاه کرده‌اند. البته
کتاب‌های معتبر دیگری نیز حدیث کسا را نقل کرده‌اند که
ان شاء الله در این زمینه اطلاعات ارزنده‌ای عرضه می‌شود.

منابع حدیث کساء

۱- غرر الأخبار و درر الآثار فی مناقب الأخیار: نوشته شیخ حسن بن علی بن محمد معروف به واعظ دیلمی قدس سرّه متوفای قرن هشتم هجری. در حال حاضر نسخه‌ای خطّی از این کتاب در کتابخانه دانشگاه تهران در ضمن مجموعه اهدائی آقای مشکات به شماره: ۱۴۸۸ می‌باشد.

کتاب‌شناس بزرگ شیعه، علامه آقا بزرگ تهرانی قدس سرّه می‌نویسد: «کتاب ((عجالة الرّاکب و قناعة الطالب فی المناقب))، فارسی و تالیف مولی محمد حسین بن محمد مهدی کهرودی سلطان آبادی قدس سرّه متوفّا در شهر کاظمین در سال ۱۳۱۴ قمری می‌باشد. او این کتاب را به فرمان سیدعلی بجستانی نوشت... این کتاب به خطّ وی در کتابخانه ((طهرانی)) در شهر سامرا موجود است. اوّل آن چنین است:

[الحمد لله الذي أفاض علينا الوجود لمعرفة طاعته ...] و در آن کتاب ذکر نموده است که حدیث کسا را همراه با سند و همراه با اختلاف در متن آن، در کتاب ((غرر الأخبار)) دیلمی دیده است، ...»^۱.

وی می نویسد: « ((غرر الأخبار و درر الآثار في مناقب الأخيار))، تألیف شیخ ابومحمد حسن بن ابی الحسن محمد دیلمی رحمته الله، از اهل آخر سده هفتم و پس از آن تا میانه هشتم قمری بوده است ...، علامه مجلسی رحمته الله از وی در آغاز کتاب بحار الأنوار نقل می کند و همچنین از کتاب الغرر وی مولی محمد حسین کرهرودی رحمته الله معاصر و متوفا در شهر کاظمین در سال ۱۳۱۴ قمری در تألیف های خود بسیار نقل می کند، از جمله آنها حدیث کسا می باشد به ترتیبی که در منتخب طریحی رحمته الله است با اختلافی بسیار کم و به سندهایی

۱- الذریعة: ۲۲۲/۱۵.

چند. و می‌گوییم: نزد سیّد آقا تستری رحمۃ اللہ علیہ نسخه‌ای ناتمام از کتاب ((الغرر)) را دیدم و در چند جای آن از خود نام می‌برد... و نسبت به حدیث کسا، سند در آن ذکر نشده بود و بعضی از بخش‌های آن چنین بود: [...] حَتَّى أَنَّهُمْ ذَكَرُوا لِمَا دَخَلُوا تَحْتَ الْكِسَاءِ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِلْمَلَائِكَةِ: يَا مَلَائِكَتِي وَسَكَّانَ سَمَاوَاتِي مَا خَلَقْتَ سَمَاءً مَبْنِيَّةً...] و حدیث چنان است که طریحی نقل کرده است تا اینجا: [ثُمَّ قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَجْزَنِي يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ] و در آن بخش‌های گفتار امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و پاسخ‌های رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چنان که طریحی آورده است نمی‌باشد...»^۱.

آیه‌الله فقید مرعشی نجفی قدّس سرّه می‌فرمایند: «از جمله کسانی که این متن حدیث کسا را نقل کرده است، واعظ بزرگوار، دیلمی صاحب کتاب ارشادالقلوب است که در کتاب

۱- الذّریعة: ۱۶/۳۶-۳۷.

الغرر و الدرر تقریباً نیمی از این حدیث را آورده است».^۱
محمی الدین موسوی غریفی در کتاب «آیة التّطهیر»
می نویسد: «قسمتی از کتاب الغرر دیلمی رحمته الله را در کتابخانه
شخصی شیخ شیر محمد همدانی در نجف اشرف دیدم».^۲

۲- المنتخب الكبير في المراثي و الخطب: آقا بزرگ تهرانی
قدس سرّه می نویسد: «کتاب المنتخب...، از آن شیخ
فخرالدین بن محمد علی بن احمد بن طریحی رحمته الله
است. وی متوفای سال ۱۰۵۸ قمری می باشد... و در
حاشیه کتاب، حدیث کسا به گونه مختصر از کتاب «نهج
المحجّة» که تألیف شیخ علی بن نقی بن شیخ احمد بن زین الدین
احسائی است، آمده است و نسخه دیگری از المنتخب می باشد
که بین آن و کتاب المنتخب که به چاپ رسیده است، در برخی

۱- شرح احقاق الحق: ۵۵۷/۲.

۲- صفحه ۸۸.

لفظ‌ها اختلاف می‌باشد و در هر مجلسی سه باب است و از آن ده مجلس موجود می‌باشد و آن به خطّ محمد مهدی بن محمد قاسم استرآبادی در سال ۱۰۹۶ قمری می‌باشد...»^۱

۳- (حاشیه) عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال حياة سيّدة النساء ﷺ: جلد یازدهم چاپ دوم و سوم: آیه الله سیّد شهاب الدّین مرعشی نجفی قدّس سرّه می‌نویسند: «...سخن را درباره حدیث کسا با ایراد نسخه‌ای از حدیث کسا که رایج است در مجالس مؤمنان از شیعیان خاندان پاک رسول خدا ﷺ که برای درخواست شفا و بهبودی نزد بیماران و برای درخواست حاجت‌ها خوانده می‌شود، به پایان می‌رسانیم، و من آن را نقل می‌کنم از رساله عالم جلیل حجّت زاهد حاج شیخ محمد تقی فرزند حاج شیخ محمد باقر یزدی بافقی، ساکن در قم که مظلومانه و در اسارت از دنیا

۱- الذّریعة: ۲۲/۴۲۰.

رفت و خداوند حقّ او را از کسانی که وی را ستم نمودند و از وطنش دور نمودند بگیرد، سپس به دیگر نسخه ها اشاره می‌کنیم به یاری و کرم خداوند تعالی ... (بخشی از نامه آیه‌الله بافقی به آیه‌الله مرعشی قدّس سرّهما) ... عوالم که از کتاب‌های معتبر شیعه و صاحب آن در کمال جلالت و اعتبار است و تقریباً زیاده از هفتاد جلد است و جلد یازدهم آن در احوالات حضرت سیّده النّساء فاطمة الزّهراء صلوات الله وسلامه علیها و علی ابیها و بعلمها و بینها است و حقیر عبادالله محمّد تقی بن محمّد باقر بافقی یزدی قمی نجفی، این حدیث شریف را از آن کتاب مبارک نقل نمودم. انشاءالله تمام شیعیان سعی نموده این حدیث و آن کتاب و سایر کتاب‌ها را طبع خواهند فرمود و حضرت احدیّت جلّت عظمت‌ه همه را موفق و مؤیّد فرماید. توضیح آنکه هفتاد جلد آن در یزد در کتاب‌خانه مرحوم حجّت الاسلام آقای آقا میرزا سلیمان قدّس

سرّه موجود می باشد. تتمّه آن ظاهراً در بحرین در خانوادهٔ مرحوم مؤلف می باشد. التماس دعا از منتظرین حجة بن الحسن صلوات الله و سلامه علیه و علی آبائه الطّاهرين دارم.

بسم الله الرحمن الرحيم قال الشيخ عبدالله البحراني صاحب العوالم: رأيت بخطّ الشيخ الجليل السيّد هاشم البحراني (سند و حدیث را همان گونه که از عوالم نقل شده است، آورده اند تا آنجا که می فرماید:) [و الآخرة بربّ الكعبة]. تمام شد آنچه را که به خطّ مرحوم عالم زاهد بافقی یافتم.

سپس از فاضل جلیل شیخ محمد صدوقی یزدی خواستم تا اینکه از نسخه کتاب عوالم، سند حدیث و متن آن را بنویسد و آرزوی مرا برآورد. پس آن را با نسخه مرحوم آقای بافقی مقابله نمودم و هر دو را مطابق با هم یافتم، حرف به حرف. و میان آن دو اختلافی نیافتم به جز آن که آقای صدوقی ذکر نمود که حدیث کسا و متن آن را در حاشیه و

کنار کتاب عوالم یافته بود. و از کسانی که آن (حدیث شریف کسا به روایت حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا علیها السلام) را نقل نموده است، علامه جلیل ثقه ثبت شیخ ما فخرالدین محمد علی طریحی اسدی نجفی، صاحب مجمع البحرین در کتاب المنتخب الکبیر است. میان او و آنچه از کتاب عوالم شده به جز زیاده سلام‌ها و نیز در جمله فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم [اللهم هؤلاء اهل بیتی و حامتی] دیگر تفاوتی نیست... و عالم جلیل و حجت، مسئول کتاب‌خانه و موزه روضه عبدالعظیم حسنی علیه السلام در شهر ری آقای حاج شیخ محمد جواد رازی کنی در کتاب خود (نورالآفاق صفحه ۴ چاپ تهران) متنی را که آوردیم به واسطه مرحوم بافقی، عیناً حرف به حرف، آورده است و چنین می‌گویند: و از شیخ مورد وثوق خود حاج شیخ محمد حسین سیستانی درباره سند این حدیث شریف شنیدم که او از سید حسن بن سید مرتضی یزدی

شنیده است که روایت کرده است صاحب عوالم ... و سند را تا آخر همان طور که نقل کردیم ذکر نموده است و از سخن وی برمی آید که حدیث مذکور در دو جای عوالم آمده است یکی در جلد یازدهم و دیگری در جلد شصت و دوم عوالم پس دقت نما»^۱.

۴- نهج المحجة في فضائل الائمة عليهم السلام: آقا بزرگ تهرانی قدس سرّه درباره این کتاب می نویسند: «کتاب نهج المحجة في فضائل الائمة عليهم السلام و إثبات حقهم و غصب غیرهم و بدع الغاصبين المبتدعين، از شیخ علی تقی بن احمد احسائی متوفای سال ۱۲۴۶ است و در سال ۱۲۳۵ از نوشتن آن فارغ گشت و این کتاب مانند کتاب الصراط المستقیم بیاضی می باشد. این کتاب را بر مقدمه و ده فصل و یک خاتمه مرتّب نموده است و نسخه آن را نزد عبدالکریم آل حیدر در

۱- شرح إحقاق الحق: ۵۵۳/۲-۵۵۸.

بغداد دیدم و در سال ۱۳۷۳ در دو جلد و در تبریز به چاپ رسیده است و در آن نقل حدیث کسا را دیدم ولی از متن منتخب طریحی کمتر بود».^۱

۵- حسین علوی دمشقی حنفی از خانواده‌های نقیبان شام است و آیه الله مرعشی قدس سرّه می‌نویسند: «حدیث کسا را به خطّ او دیده‌اند».^۲

۱- الذریعة إلى تصانیف الشيعة: ۴۲۴/۲۴ رقم ۲۲۲۰.

۲- شرح إحقاق الحق: ۵۵۳/۲-۵۵۸.

چگونگی صاحبان منابع حدیث

۱- واعظ دیلمی شیخ حسن فرزند علی فرزند محمد دیلمی قدّس سرّه :

شیخ محمد بن الحسن حرّ عاملی صاحب دائرة المعارف بزرگ فقه مآثور اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام «تفصیل وسائل الشیعة» در کتاب «أمل الآمل»: ۷۷/۲ رقم ۲۱۱، وی را فاضل محدّث صالح معرفی نموده است. و نیز علامه مجلسی قدّس سرّه از او با تعبیر «شیخ عارف» یاد نموده است و میرزا عبدالله افندی قدّس سرّه درباره او می فرماید: «شیخ عارف عالم، محدّث جلیل، معروف به دیلمی» و همچنین صاحب روضات الجنّات قدّس سرّه می نویسد: «عالم عارف وجیه واعظ معروف که به هر وصف زیبایی موصوف است. شیخی از بزرگان اصحاب ما و محدّثین بوده». سید محسن امین عاملی نیز در اعیان الشیعه درباره او می نویسد:

«وی عالم عارف، عامل محدّث، کامل وجیه، از بزرگان اصحاب ما و فضلالی در فقه و حدیث و عرفان و تاریخ غزوات و... می باشد». و محدّث قمی قدّس سرّه در الکنی و الألقاب او را «شیخ محدّث وجیه نبیه...» توصیف نموده است. او صاحب کتاب های ارزنده ای چون: «اعلام الدّین فی صفات المؤمنین» و کتاب «ارشاد القلوب» است.

مؤلّف گوید: از کلام مرحوم دیلمی چنین برمی آید که ایشان، کتاب خود را در سال ۷۵۶ یعنی در اواسط قرن هشتم هجری به پایان رسانده است.

۲- شیخ فخرالدّین بن محمّد بن علی بن احمد طریحی نجفی معروف به شیخ طریحی قدّس سرّه متوفای سال ۱۰۸۵، یکی دیگر از نقل کنندگان این حدیث شریف می باشد.

شیخ حرّ عاملی قدّس سرّه وی را «فاضل زاهد، پاکدامن

عابد، فقیه و شاعر جلیل‌القدر» توصیف نموده است و کتاب‌های مجمع‌البحرین و المقتل و المنتخب در زیارت و خطبه‌ها و شعر و رسائلی چند را از تألیفات او دانسته و می‌نویسد که با او هم عصر است.^۱ محدّث قمی قدّس سرّه در سفینه‌البحار می‌نویسد: «شیخ طریحی قدّس سرّه همان عالم فاضل محدّث پاکدامن زاهد عابد فقیه، شاعر جلیل، صاحب کتاب مجمع‌البحرین و المنتخب در مقتل و الفخریه در فقه و... است... حکایت شده است که وی عابدترین اهل زمان خود و پاکدامن‌ترین بوده است. روایت کند از وی فرزند دانشمندش صفی‌الدّین و علامه سیّد هاشم توبلی بحرانی و مجلسی و خود از شیخش محمّد فرزند حسام مشرقی از شیخ بهایی...».

۳- شیخ محدّث بزرگ و متبّع آگاه عبدالله بن نورالله

۱- أمل‌الآمل: ۲/۲۱۴ الرقم ۶۴۸.

بحرانی اصفهانی قدّس سرّه، بزرگ شاگرد علامه بزرگوار
 مجلسی قدّس سرّه، از خطّ سیّد هاشم بحرانی قدّس سرّه، از
 استاد بزرگوارش سیّد ماجد بحرانی، از شیخ حسن بن زین
 الدّین شهید دوم، از استادش مقدّس اردبیلی، از استادش
 علی بن عبدالعالی کرکی، از شیخ علی بن هلال جزائری، از
 شیخ احمد بن فهد حلّی، از شیخ علی بن خازن حائری، از
 شیخ ضیاء الدّین علی بن شهید اول، از پدرش، از فخر
 المحقّقین، از شیخ و پدرش علامه حلّی، از شیخ خود محقّق
 حلّی، از استادش ابن نمای حلّی، از استادش محمّد بن
 ادريس حلّی، از ابن حمزه طوسی صاحب ثاقب المناقب، از
 شیخ جلیل محمّد بن شهر آشوب، از طبرسی صاحب احتجاج،
 از استاد بزرگوارش حسن بن محمّد بن حسن طوسی، از
 پدرش شیخ طائفه حقه طوسی، از استادش شیخ مفید، از
 استادش ابن قولویه قمی، از استادش شیخ کلینی، از علی بن

ابراهیم، از پدرش ابراهیم بن هاشم، از احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی، از قاسم بن یحیی بن الجلاء کوفی، از ابوبصیر، از ابان بن تغلب، از جابر بن یزید جعفی، از جابر بن عبدالله انصاری رضی الله عنه از فاطمه زهرا علیها السلام متن این حدیث را روایت نموده است که تصویری از نسخه خطی آن ضمیمه می شود.

۴- شیخ علی تقی بن احمد احسائی.

۵- حسین علوی دمشقی حنفی از اشراف شام.

نظم حدیث کسا

محقق و کتاب‌شناس بزرگ شیعه آیه الله سید حسن صدر قدس سره چنین می‌نویسد: «سید محمد بن سید ابراهیم... موسوی جبعی شحوری، جدّ اعلای ما... شاگرد شیخ محمد باقر سبزواری صاحب الذخیره بود،... از نوشته‌های باقی‌مانده او «قصیده نونیّه بزرگ» وی می‌باشد که در آن، حدیث کسا را به همان کیفیتی که طریحی در المنتخب آورده، به نظم آورده است...»^۱.

آقابزرگ تهرانی قدس سره چنین نگاشته است: «ارجوزه در حدیث کسا که نظم علامه سید محمد بن سید معز الدین محمد مهدی حسینی قزوینی حلی متوفای سال ۱۳۳۵ قمری است و در پنجاه بیت می‌باشد و آن را علامه سید محمد

۱- تکملة أمل الآمل: ۳۳۵-۳۳۷.

صادق آل بحر العلوم در کتاب مجموع الرّائق آورده است».^۱

آیه الله مرعشی نجفی قدّس سرّه می نویسد: «و این حدیث شریف را تنی چند از فرزانه های شعر و ادب از اصحاب ما (شیعیان) به نظم در آورده اند. از برترین آنان علامه فقیه ادیب آیه الله ابوالمعزّ سیّد محمّد بن علامه سیّد مهدی قزوینی حلّی متوفای سال ۱۳۳۵ قمری می باشد. وی در بالاترین جایگاه جلالت و بزرگی بود. او از دوستان پدر علامه ام بود. روانش شاد باد... دیگر سراینده این حدیث، فاضل معاصر و جلیل استاد شیخ علی خاقانی نجفی می باشد که بابلیّات از سروده های ایشان است و در مجلّه ((البیان)) چاپ شده است، خداوند برکت و جود وی را دوام بخشد و در میان ما چون او را بسیار گردانند...».^۲

۱- الذّریعة: ۴۷۰/۱.

۲- شرح احقاق الحق: ۵۵۸/۲.

آقابزرگ تهرانی می نویسد: «... محدّث ماهر حاج شیخ
محمّدباقر... قائمی بیرجندی صافی صاحب کتاب «الکبریت
الأحمر فی شرائط اهل المنبر» در مقتل به زبان فارسی است
وی حدیث کسا را به نظم آورده و در سال ۱۳۴۳ قمری به
چاپ رسیده است...»^۱.

و می نویسد: «طور سیناء در شرح حدیث کساء» به
فارسی، از شیخ معاصر حاج شیخ علی اکبر... نهانندی
متوفا در مشهد خراسان است.^۲

۱- الذریعة: ۲۶۰/۱۷.

۲- الذریعة: ۱۸۱/۱۵.

چند نکته

برای شرح حال راویان حدیث، واقع در طریق عوالم، به موسوعه رجال بزرگ «معجم رجال الحدیث»، تألیف آیه الله خوئی قدس سره مراجعه کنید.

محدث و دانشمند فقید، سید عبدالرزاق موسوی مقرر قدس سره می نویسد:

«حدیث کساء»

«سخنان مفسران، روایت های محدثان و صاحبان سیره و ارباب معجم ها همه بر اینکه منظور از اهل بیت در سخن خدای متعال: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» همان پنج تن اصحاب کسا است، اتفاق دارند. اصحاب کسا یعنی پیامبر اعظم ﷺ و وصی آن حضرت، امیر مؤمنان علیکم السلام و دخترش حضرت صدیقه سیده زنان دو جهان از اولین و آخرین علیهم السلام و دو فرزندش که دو

آقای اهل بهشت امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام هستند. و در این مورد از گروهی از صحابه و تابعین، نصّ متواتر وجود دارد. و ابن جریر طبری در تفسیر جامع البیان پانزده طریق و سیوطی در تفسیر الدر المنثور تا بیست طریق ذکر کرده است. و پیامبر صلی الله علیه و آله همیشه در فرصت‌ها و موارد متعدّد آشکارا می‌فرمود که اصحاب کسا اختصاص به همین پنج تن دارد. حتّی آن حضرت پس از نزول آیه تطهیر هرگاه برای نماز صبح خارج می‌شدند، بر در خانه فاطمه علیها السلام می‌ایستادند و با صدای بلند ندا می‌کردند: «الصَّلَاةُ أَهْلَ الْبَيْتِ» و آیه تطهیر را قرائت می‌فرمودند. و شش ماه یا هفت و یا هشت ماه بر این روش بودند و هیچ کس نقل نکرده و نگفته که این توقّف بر در خانه یکی از زنان و نزدیکان آن حضرت صلی الله علیه و آله بوده است و این عمل از شخص حکیمی چون رسول خدا صلی الله علیه و آله دلالت بر معنای بزرگ و مهمّی دارد که آیه

دربدارنده این معنای عظیم است و آن اینکه آیه اختصاص به این پنج تن دارد و هیچ فرد دیگری از مسلمانان را شامل نمی‌شود. ولی گروه‌هایی که انکارکننده فضیلت اهل کسا هستند؛ وقتی دیدند نمی‌توانند این فضیلت را از ریشه انکار کنند، غیر این پنج تن را شریک در اهل بیت قرار داده و به شاهدهایی سست‌تر از خانهٔ عنکبوت استناد کرده‌اند و حتی خودشان در این گفته مانند کسی که در شب تاریک، هیزم جمع می‌کند، سرگردان و مردّد هستند. و با اینکه رسول خدا ﷺ به امّ سلمه اجازهٔ داخل شدن در کسا را نداد و فقط به او فرمود: به راستی تو بر خیری و از زنان پیامبر هستی، انکارکنندگان فضیلت اهل بیت، دیدند نمی‌توانند مطالب خود را به خورد مردم بدهند، راه دیگری را پیشه ساختند و آن این بود که حدیث را تحریف کردند و از حدیث ویژگی‌هایی که برای پنج تن آمده بود انداختند و فقط به

نزول آیه در شأن ایشان اکتفا نمودند؛ اما متبّع کامل شیخ
 فخرالدین طریحی نجفی که از نوادر روزگار و از مفاخر علما
 به شمار می‌آید، در کتاب «المنتخب» چاپ نجف
 صفحه ۱۸۶، روایت را همان‌طور که از منبع وحی رسیده،
 ذکر نموده. علامه و حجة الاسلام سید عدنان آل سید شبر
 بحرانی و سید محمد فرزند آیه الله سید مهدی قزوینی از
 علامه محقق طریحی تبعیت کرده‌اند. و علامه حجة الاسلام
 سید محمد کاظم یزدی - صاحب عروة الوثقی - در «أجوبة
 المسائل المتفرقة»، همان را اذعان نموده است و (دور از
 صحت نمی‌داند) و علامه سید شهاب الدین تبریزی در
 رساله کوچک فارسی که آن را «حدیث کسا» نامیده است،
 سندی را برای این حدیث متذکر شده و در آن رساله
 کوچک، حدیث سلسله الذهب را بیان داشته است. این کتاب
 در سال ۱۳۵۶ قمری به طبع رسیده است. به کتاب الذریعة

در فهرست مصنّفات شیعه: ۳۷۸/۶ مراجعه شود. و محبّ الدّین طبری در ذخائر العقبی: ۲۲، و ابن حجر در الصّواعق المحرقة: ۸۶ از اختلافی که در روایات تعیین کسا و محلّی که در آن جمع بودند و آنچه امّ سلمه جواب داده و غیر اینها است، استظهار کرده‌اند که واقعه متعدّد است. ولی من دلیلی برای تعدّد واقعه نمی‌بینم زیرا در حقیقت واقعه یکی است و آیه کریمه در همان یک مورد نازل شده است. و لیکن راویان خبر این فضیلت را آن‌چنان که صادر شده، نقل نکرده‌اند و در این واقعه طبق خواسته هوی و هوس تصرّف نموده‌اند. پس زنان و خویشان پیغمبر را با پنج تن شریک نموده‌اند در حالی که دور بودن ایشان از آیه چون دور بودن آسمان و زمین است. و شاهد بر این گفتهٔ پیامبر ﷺ به امّ سلمه است، آن هنگامی که اجازه خواست تا داخل در کسا شود فرمود: «إِنَّكَ عَلَى خَيْرٍ، إِنَّكَ مِنْ أَزْوَاجِ النَّبِيِّ»، هم‌چنان

که نمی بینم شک کننده در احادیث اهل بیت که اثبات منزلت های عالی برای آن بزرگواران می نماید - فضائی که پیامبر مرسل و فرشتگان مقرب به آنها نمی رسند - در صحت این حدیث و آنچه را که برای پنج تن و شیعیان شان اثبات می نماید شك کند و حدیث های متواتر بلکه فوق تواتر بر چنین فضیلتی دلالت دارد. پس در چیزی که نص بر آن قائم است، شک کردن وی دور نخواهد بود»^۱.

بنا بر نقل جامع کتاب «الدعاء و الزیارة»، پدر ایشان مرحوم آیه الله میرزا مهدی شیرازی قدس سره در مجموعه ای حدیث کسار را با سند متصل از حضرت زهرا علیها السلام نقل می کنند و این جانب مفتخر به مجاز بودن نقل آن به طریق مذکور به واسطه ایشان هستم.

۱- وفاة الزهراء علیها السلام: ۴۸-۵۰.

منابع، اسناد و راویان حدیث

۱- اوّلین مدرک حدیث کسا، از پیشینه‌ای بیش از شش قرن، برخوردار است.

۲- تمامی مؤلفان، مورد وثوق در حدّ عالی و جلیل‌القدر بوده‌اند.

۳- حدیث کسا بنا به فرمایش مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی رحمته‌الله، در کتاب الغرر و الدرر چندین سند دارد.

۴- کتاب الغرر را سید آقا بزرگ شوشتری و مولی محمد حسین کرهرودی و آقا بزرگ تهرانی و آیه‌الله مرعشی و غریفی رحمهم الله دیده‌اند.

۵- نسخه‌ای از کتاب الغرر در کتابخانه دانشگاه تهران موجود می‌باشد.

مقدمه دوّم: اضافات و پاسخ به سایر شبهه‌ها

پس از چاپ یکم، خوشبختانه کتاب شریف «غرر الأخبار و درر الآثار في مناقب أبي الأئمة الأطهار» برای نخستین بار به اهتمام مكتبة العلامة المجلسی قدّس سرّه و با تحقیق اسماعیل الضیغم ضمن سلسله مصادر بحار الأنوار جلد ۵، ۱۴۲۷ هـ. ق به زیور طبع آراسته شد. در صفحه ۲۹۸ فصل ۲۳ این کتاب چنین آمده است: حَتَّى أَنَّهُمْ ذَكَرُوا لَمَّا دَخَلُوا تَحْتَ الْكِسَاءِ قَالَ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى لِلْمَلَائِكَةِ: يَا مَلَائِكَتِي وَ سَكَّانَ سَمَاوَاتِي، مَا خَلَقْتَ سَمَاءً مَبْنِيَّةً، وَ لَا أَرْضَ مَدْحِيَّةً، وَ لَا قَمَرَ يَسْرِي، وَ لَا فَلَكَ يَجْرِي، إِلَّا لِأَجْلِ الْخَمْسَةِ الَّذِينَ تَحْتَ الْكِسَاءِ. فَقَالَ جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ، وَ مَنْ تَحْتَ الْكِسَاءِ؟ فَقَالَ جَلَّ جَلَالُهُ: فَاطِمَةُ وَ أَبُوهَا وَ بَعْلُهَا وَ بَنُوهَا. فَقَالَ: يَا رَبِّ، أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَنْزِلَ إِلَيْهِمْ وَ أَبَشِّرَهُمْ وَ أَكُونَ مَعَهُمْ؟ فَقَالَ: نَعَمْ. فَنَزَلَ، وَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ، يَا حَبِيبِي

یا محمد! أَتَأْذَن لِي أَن أَكُونَ مَعَكُمْ فَأَكُونَ سَادِسْكُمْ؟ فقال: نعم،
قد أَذِنْتُ لَكَ. فقال: يا حبيبِي يا مُحَمَّد! رَبُّكَ يَقْرَأُكَ السَّلامَ
وَيَخْصُّكَ بِالتَّحِيَّةِ وَالْإِكْرَامِ وَيَقُولُ: وَعِزَّتِي وَجَلَالِي وَعُلُوِّي
وَأَرْتِفَاعِي، مَا خَلَقْتَ سَمَاءَ مَبْنِيَّةٍ، وَلَا أَرْضًا مَدْحِيَّةً، وَ
لَا شَمْسًا، وَلَا قَمَرًا، وَلَا نَجْمًا، وَلَا جَنَّةً، وَلَا نَارًا إِلَّا لِأَجْلِكُمْ.

اما درباره شبهه‌ها، پیش از هر چیز لازم است بدانیم که زیر
سؤال بردن، اشکال وارد کردن و ترویج نظریات پالایش نشده
درباره متونی از این قبیل - که شیعیان در طول قرون
متمادی، در مجالس شکوه‌مندی، به خواندن آن ملتزم بوده و
هستند - جز ایجاد تردید در اذهان عموم و فراهم آوردن
مستمسک برای دشمنان تشیع، نتیجه دیگری ندارد. بنابراین
باید پیش از هر اقدامی، مباحثی از این دست، در مجامع
علمی بررسی شده و صحیح‌ترین و مستندترین نظر علمی در
میان مردم مطرح شود. اما اشکالات و پاسخ‌ها:

الف: گفته شده است: این سلسه سند به لحاظ تاریخی

صحیح نیست، چرا که برخی از راویان با راوی پیش از خود هم عصر نبوده‌اند. بنابراین نمی‌توانند از راوی قبل از خود روایتی نقل کنند.

پاسخ: صحت استناد یک حدیث به معصوم، تنها با داشتن سند صحیح محرز نمی‌شود. مثلاً مقبوله عمر بن حنظله، هر چند سند آن صحیح، معتبر و متواتر نیست، اما علما و فقها آن را اخذ به قبول نموده و براساس آن فتوا داده‌اند. محتوای بسیار ارزشمند حدیث شریف کساء نیز بر صحت صدور آن از ساحت معصوم دلالت دارد.^۱

بنابراین با استناد به قاعده تسامح در ادله سنن، حتی اگر متنی مانند حدیث کساء، سند صحیح نداشته باشد، عدم ضعف محتوایی بلکه متن بسیار قوی و ارزشمند آن می‌تواند

۱- ر.ک: «التحقیق حول سند حدیث الکساء» و «فاطمه علیها السلام در آیینه کتاب».

بر صحت صدور آن از معصوم دلالت کند. گذشته از اینکه این حدیث شریف، از مجربّات امامیه بوده و مورد تأیید مراجع شیعه از جمله علماء و آیات سید محمد کاظم یزدی صاحب عروة الوثقی در کتاب «اجوبة المسائل المتفرقة»، سید شهاب الدین مرعشی نجفی و آیه الله سید محمد رضا موسوی گلپایگانی و آیه الله سید محمد روحانی و... است.^۱

ب: حدیث کساء روایت شده از حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها دلالت بر وقوع آن و اجتماع خمسه طیبه در خانه آن حضرت دارد در حالی که احادیث صحیح در این باره بر وقوع این حادثه در خانه امّ سلمه، همسر رسول الله ﷺ، دلالت دارند. و حدیث کساء در خانه حضرت زهراء علیها السلام اعتبار ندارد.

پاسخ: بزرگانی از پیروان خلفای سقیفه ملعونه، چون احمد

۱- ر.ک: حدیث کساء و آثار شگفت.

بن حجر هيثمی شافعی متعصب افراطی (ت ۹۷۴هـ) در کتاب
محرقة خود «الصّواعق المحرقة» صفحه: ۱۴۴ چاپ قاهره
مصر می نویسد: محبّ الدّین طبری (ت ۶۹۴هـ) اشاره کرده
است که واقعه کسائیّه در خانه امّ سلمه و خانه حضرت
فاطمه عليها السلام و ... تکرار شده است.

می بینیم که این نقل، در قرن هفتم و از طریق پیروان اصحاب
سقیفه ملعونه صورت گرفته و در آن به صراحت اعلام شده
است که یکی از مواضع اجتماع خمسۀ طیّیه، خانه حضرت
فاطمه عليها السلام است.

از طریق شیعه نیز سیّد جلیل علیّ بن طاووس رحمته الله در کتاب
شریف «الطّرائف في معرفة مذاهب الطّوائف» مواردی از
اختلاف روایات را آورده و می فرماید: این روایات دلالت
بر تکرار این واقعه دارد.

ج: حدیث کساء از حیث محتوایی سستی هایی دارد که بر

اهل حدیث مخفی نیست .

پاسخ: این بیان، ادّعایی بیش نبوده و مدرکی ندارد .

د: در حدیث کساء مزبور از حضرت زهراء علیها السلام آمده است که خداوند متعال فرمود: یا ملائکتی! انّی ما خلقت سماءاً... در حالی که ایشان تنها می توانستند از قول پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این مطلب را نقل کنند. جز پیامبر کسی نمی تواند چیزی را بدون واسطه از خداوند نقل کند.

پاسخ: دربارهٔ اینکه کسی جز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، نتواند کلام خدا را بشنود، دلیل عقلی و نقلی وجود ندارد بلکه قرآن کریم به روشنی اعلام می فرماید که وحی بر کسانی که نبی و رسول نبوده اند نیز صورت گرفته است: «و أوحینا إلی أمّ موسی...»^۱ «إذ أوحینا إلی أمّک ما یوحی»^۲ و

۱- (۲۸) سوره القصص: آیه ۸.

۲- (۲۰) سوره طه صلی الله علیه و آله و سلم: آیه ۳۹.

نقل قول مستقیم از خداوند و جبرئیل که در حدیث شریف کساء توسط حضرت صدیقۀ طاهره علیها السلام صورت می‌گیرد، بیان‌گر مقام محدّثه بودن ایشان است که با توجّه به نصوص بسیار، برای ایشان ثابت بوده و جای انکار ندارد.

ضمن اینکه نقل قول مستقیم از جانب خداوند توسط حضرت زهرا علیها السلام، اختصاص به حدیث شریف کساء ندارد: محدّث جلیل القدر محمّد بن الحسن الصفّار که از اجلّ شاکردان امام الحسن الزکیّ العسکری علیه السلام است در کتاب شریف خود «بصائر الدّرجات الکبری» - که مجموعه‌ای بسیار ارزشمند از احادیث اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است - به سند خود از ابوبصیر، از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمودند: ... وَ مَا يُدْرِيهُمْ مَا مُصْحَفُ فَاطِمَةَ؟! قَالَ: مُصْحَفٌ فِيهِ مِثْلُ قُرْآنِكُمْ هَذَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ... هُوَ شَيْءٌ أَمْلَاهَا اللَّهُ وَ أَوْحَى إِلَيْهَا...!



۱- بصائر الدّرجات: ۱۵۱ ب ۱۴ ح ۳ به سندش از ابوبصیر، بحار الأنوار:

... آنان چه می‌دانند مصحف فاطمه چیست؟ فرمود:
مصحفی است که مانند این قرآن شما در آن است، سه
برابر... همانا آن چیزی است که خداوند بر ایشان املا فرمود
و وحی نمود....

و در همان کتاب شریف به سند خود از محمد بن مسلم از
امام باقر یا امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمودند: ... وَ خَلَفَتْ
فَاطِمَةُ مُصْحَفًا مَا هُوَ قُرْآنٌ، وَ لَكِنَّهُ كَلَامٌ مِنْ كَلَامِ اللَّهِ أُنْزِلَ
عَلَيْهَا، إِمْلَاءَ رَسُولِ اللَّهِ وَ خَطُّ عَلِيٍّ عليه السلام! ... حضرت فاطمه،
مصحفی بر جای نهادند که قرآن نیست اما کلامی از کلام
خداوند است که بر ایشان نازل شد، املائی رسول‌الله و
دست‌نوشته حضرت علی علیه السلام بود.

۳۸/۲۶ ب ۱ ح ۷۰ از بصائر الدّرجات.

۱- بصائر الدّرجات: ۱۵۵ ب ۱۴ ح ۱۴ به سندش از محمد بن مسلم،
بحار الأنوار: ۴۱/۲۶ ب ۱ ح ۷۳ از بصائر الدّرجات.

هـ: تعریفی که از جانب خداوند در حدیث کساء حضرت زهراء علیها السلام، از پنج تن شده «هُمْ فَاطِمَةُ وَأَبُوهَا وَ...» نوعی توهین به رسول الله صلی الله علیه و آله است. و باید اوّل رسول الله و سپس امیرالمؤمنین یا حضرت زهرا و... معرفی می شدند.

پاسخ: تقدّم در تعریف، همیشه بر اشرف و افضل دلالت نمی کند و اگر این اشکال بر حدیث کساء وارد باشد، می توان بر قرآن کریم نیز اشکال وارد کرد، آنجا که در آیه مباهله می فرماید: «تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ»^۱. بنابراین معرفی پنج تن از طریق حضرت زهراء علیها السلام، به دلایل دیگری انجام شده است.

با توجه به روایاتی که چند مورد از آنها آورده می شود، فرشتگان نسبت به حضرت زهراء علیها السلام آشنایی بیشتری داشتند: انس بن مالک غلام رسول الله صلی الله علیه و آله از ایشان نقل

۱- (۳) سوره آل عمران: آیه ۶۲.

می‌کند که فرمودند: ... وَ نُورُ فَاطِمَةَ مِنْ نُورِ اللَّهِ، وَ فَاطِمَةُ أَفْضَلُ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ، ... ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الظُّلْمَةَ بِالْقُدْرَةِ، فَأَرْسَلَهَا فِي سَحَابِ الْبَصَرِ، فَقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ، رَبَّنَا مَذْ عَرَفْنَا هَذِهِ الْأَشْبَاحَ مَا رَأَيْنَا سُوءًا، فَبَحْرَمَتِهِمْ إِلَّا كَشَفْتَ مَا نَزَلَ بِنَا، فَهَنَّا لَكَ خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى قَنَادِيلَ الرَّحْمَةِ، وَ عَلَّقَهَا عَلَى سُرَادِقِ الْعَرْشِ فَقَالَتْ: إِلَهْنَا لِمَنْ هَذِهِ الْفَضِيلَةُ وَ هَذِهِ الْأَنْوَارُ؟ فَقَالَ: هَذَا نُورُ أُمَّتِي فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، فَلِذَلِكَ سُمِّيَتْ أُمَّتِي الزَّهْرَاءِ، لِأَنَّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ بِنُورِهَا ظَهَرَتْ وَ هِيَ ابْنَةُ نَبِيِّ وَ زَوْجَةُ وَصِيِّ وَ حُجَّتِي عَلَى خَلْقِي أُشْهِدُكُمْ يَا مَلَائِكَتِي أَنِّي قَدْ جَعَلْتُ ثَوَابَ تَسْبِيحِكُمْ وَ تَقْدِيسِكُمْ، لِهَذِهِ الْمَرْأَةِ وَ شَيَعَتِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ^۱ - وَ نور فاطمه از نور خداست و دخترم فاطمه، از آسمان‌ها و زمین برتر است... سپس خداوند به قدرت خود تاریکی را آفرید پس فرشتگان گفتند: پروردگار ما منزّه و پاک و مقدّس است. از زمانی که ما این

۱- بحار الأنوار: ۱۶/۲۵ ح ۳۰ از کتاب ریاض الجنان.

اشباح (نور خمسه طيّبه اصحاب كسا) را شناختيم، هيچ سختي و بدى نديده ايم. پس به حرمت آنان آنچه را بر ما نازل شده است از ما برطرف نما (تاريكى را ببر). آن هنگام خداوند چراغهاى رحمت را در سراپرده عرش آويزان فرمود. فرشتگان گفتند: بارالها! اين فضيلتها و نورها از آن چه كسى است؟ فرمود: اين نور كنيز من فاطمه زهراست. زهرا ناميده شد زيرا آسمانها و زمينها به نور او ظاهر شدند و همانا او، دختر پيامبرم و همسر وصى و حجت من بر مخلوقاتم مى باشد. اى فرشتگانم! شما را گواه مى گيرم، به تحقيق ثواب تسبيح و تقديس شما را تا روز قيامت، براى اين زن و شيعيانش قرار دادم. . . .

اين حديث در جايى ديگر به سند از انس بن مالك نقل شده و در آن آمده است: . . . پس خداوند به فرشتگان چنين وحى فرمود: هَذَا نُورٌ اخْتَرَعْتُهُ مِنْ نُورِ جَلَالِي لِأَمَتِي فَاطِمَةَ ابْنَةِ حَبِيبِي، وَ زَوْجَةِ وَلِيِّي، وَ أَخِي نَبِيِّي، وَ أَبِي حُجَجِي عَلَى

عبّادی...^۱ - این نور، نوری است که آن را از نور جلال و عظمت خود برای کنیز خودم فاطمه، دختر حبیبم و همسر ولیّ و برادر پیامبرم و پدر حجّت‌هایم بر بندگانم آفریدم

و به نقل از سلمان فارسی رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله با اختلاف اندکی آورده شده و در آن آمده است: فَقَالَ اللَّهُ: وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي، لَأَجْعَلََنَّ ثَوَابَ تَسْبِيحِكُمْ وَ تَقْدِيسِكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لِمُحَبِّبِي هَذِهِ الْمَرْأَةَ وَ أَبِیْهَا وَ بَعْلَهَا وَ بَنِيهَا^۲ - خداوند فرمود: سوگند به عزّت و شکوهم! همانا ثواب تقدیس و تسبیح شما فرشتگان را تا روز قیامت برای دوستان این زن و پدر و شوهر و پسرانش قرار می‌دهم.

با توجّه به احادیثی از این دست، درمی‌یابیم که فرشتگان

۱- بحار الأنوار: ۸۲/۳۷ ب ۵۰ ح ۵۱ از تأویل الآیات: ۱۴۳ از کتاب مصباح الأنوار.

۲- بحار الأنوار: ۱۷/۴۳ ب ۲ ح ۱۶ از ارشاد القلوب: ۴۰۳/۲.

نسبت به حضرت زهرا علیها السلام شناخت بیشتری داشتند و به همین جهت خداوند حضرت زهرا علیها السلام را برای معرفی خمسه طیبه، مرکزیت بخشیده است.

از طرفی، برای درک حقیقت حضرت فاطمه علیها السلام باید به احادیث رسول الله صلی الله علیه و آله درباره آن حضرت و نیز چگونگی رفتار پیامبر نسبت به ایشان، روی آوریم و با دقت تمام برای فهم آن بکوشیم. پیامبر بارها به ایشان فرمود: **فِدَاكِ أَبُوكِ** - پدرت به قربان تو باد. یا درباره ایشان می فرمود: **فِداها أَبُوهَا** - پدرش به فدایش باد. و موارد دیگر. در اینجا نیز تقدّم نام حضرت فاطمه علیها السلام برای بیان مرتبه‌ای از شرافت و فضیلت آن حضرت است که در احادیث دیگری نیز به آن اشاره شده است:

جناب سید حسن میرجهانی رحمته الله برایم نقل فرمود چنان که در کتاب خود **الجنة العاصمة: ۱۴۸** نقل نموده است از کتاب

«کشف اللّثالی» تألیف عالم جلیل شیخ صالح بن عبدالوّهّاب بن العرندس حلّی رضوان الله علیه که از علمای شیعه در قرن نهم هجری است، به سند متصل خود از جابر بن عبدالله انصاری از رسول الله ﷺ از خداوند تعالی نقل می‌کند که فرمود: يَا أَحْمَدُ! لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْآفَلَكَ، وَ لَوْلَا عَلِيٌّ لَمَا خَلَقْتُكَ، وَ لَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمَا. ای احمد! اگر به سبب تو نبود، افلاک را نمی‌آفریدم و اگر علی نبود، تو را نمی‌آفریدم و اگر فاطمه نبود، شما دو تن را نمی‌آفریدم. سپس جابر گفت: هذا من الأسرار التي أمرنا رسول الله ﷺ بكتمانه إلا عن أهله. این، از جمله اسراری بود که رسول الله ﷺ به ما دستور دادند آن را جز از اهلش، پنهان داریم.

و: در پایان حدیث کساء به روایت حضرت زهرا علیها السلام سوگند یاد شده است که اگر در جمعی از شیعیان و علاقه‌مندان اهل بیت علیهم السلام این حدیث خوانده شود و از این واقعه یادی به

میان آید، مشکلات آن‌ها برطرف شده و خداوند خواسته‌های آنان را برآورده و مستجاب می‌گرداند. اگر این حدیث از جانب معصوم نقل شده است، چرا عده‌ای با خواندن حدیث کساء، مشکلاتشان برطرف نمی‌شود؟

پاسخ: در قرآن کریم می‌خوانیم «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» - بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را^۱ اما چنانچه می‌دانیم بسیاری از دعا‌های ما به اجابت نمی‌رسد. در واقع نفس دعا کردن، توفیقی الهی است که گاه با مستجاب نشدن دعا و در نتیجه تکرار دعا، شامل حال بنده می‌شود. از طرفی، دانسته‌های انسان، به دیده‌ها و شنیده‌های او خلاصه می‌شود و چه بسا دعا‌هایی که اجابت آن به صلاح او نیست اما او از این امر، آگاهی ندارد اما خداوند با آگاهی از این امر، این خواسته را با عطایای بیشتر خود در قیامت، اجابت می‌کند.

۱- (۴۰) سوره غافر: آیه ۶۱.

علاوه بر اینکه، علّت تامّه برای استجابّت، تنها دعا کردن نیست و باید سایر شرایط نیز فراهم شود. از جمله اینکه موانع استجابّت دعا در میان نباشد که در دعای حضرت خضر علیه السلام به روایت امیرالمؤمنین علیه السلام که به «دعای کمیل» مشهور است، به آن اشاره شده است: «اللّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ - خدایا برای من گناھانی را مورد بخشش قرار ده که دعا را حبس می کند (از بالا رفتن و استجابّت دعا، جلوگیری می کند)».

همچنین در نامه ۳۱ نهج البلاغة که مولا امیرالمؤمنین علیه السلام برای سبط اکبر امام حسن مجتبی علیه السلام مرقوم فرمودند، آمده است: ... فَلَا يُقْنِطَنَّكَ إِبْطَاءُ إِجَابَتِهِ، فَإِنَّ الْعَطِيَّةَ عَلَى قَدْرِ النِّيَّةِ، وَ رُبَّمَا أُخِّرَتْ عَنْكَ الْإِجَابَةُ لِيَكُونَ ذَلِكَ أَعْظَمَ لَلْأَجْرِ السَّائِلِ، وَ أَجْزَلَ لِعَطَاءِ الْأَمَلِ، وَ رُبَّمَا سَأَلْتَ الشَّيْءَ فَلَا تُعْطَاهُ (تَوْتَاهُ)، وَ أُوتِيتَ خَيْرًا مِنْهُ عَاجِلًا أَوْ آجِلًا، أَوْ صُرِفَ عَنْكَ لِمَا

هُوَ خَيْرٌ لَّكَ، فَلَرُبَّ أَمْرٍ قَدْ طَلَبْتَهُ فِيهِ هَلَاكُ دِينِكَ لَوْ أُوتِيْتَهُ،
فَلَتَكُنْ مَسْأَلَتُكَ فِيْمَا يَبْقَى لَكَ جَمَالُهُ، وَ يُنْفَى عَنْكَ وَبَالُهُ،...

هرگز از به تأخیر افتادن اجابت دعا ناامید نباش، زیرا بخشش
الهی به اندازه نیت است. گاه در اجابت دعا تأخیر می شود تا
پاداش درخواست کننده بیشتر و جزای امیدوار کامل تر شود.
گاه درخواست می کنی اما پاسخ داده نمی شود، زیرا (خداوند)
بهرتر از آنچه که خواستی، به زودی یا در وقت مشخص به تو
خواهد بخشید. گاهی دعا به اجابت نمی رسد زیرا چه بسا
خواسته هایی داری که اگر داده شود، مایه نابودی دین تو
خواهد شد. پس درخواست تو در آن چیزی باشد که زیبایی
آن برای تو باقی باشد و وبال آن از تو نفی گردد،

همچنین، مضمون فقرات پایانی حدیث کساء به روایت
حضرت زهرا علیها السلام، در احادیث دیگری نیز آمده است که
درباره فضیلت مجالس و اجتماع مؤمنین در ذکر معارف و

فضائل اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است .
در نتیجه چنانچه بیان شد، متن حدیث شریف کساء به
روایت حضرت زهرا علیها السلام با بسیاری از آیات و احادیث
هماهنگی کامل داشته و همین، دلالت بر قوّت متن آن دارد.

رمز های نام منابع برای ذکر اختلاف نسخه ها:

ق	←	احقاق الحق
غ	←	الغرر و الدرر
ع	←	عوالم العلوم
خ	←	المنتخب
م	←	وفاة الزهراء المقرّم

یادآور می شویم که اختلاف کلمه ها در نسخه ها و منابع در پاورقی و داخل کروشہ آورده شده است. همچنین عبارت های اضافہ بر متن مشہور با علامت (+) و عبارت هایی کہ در متن مشہور بودہ ولی در برخی نسخه ها نیامدہ است، بدین صورت (-) نمایش داده شدہ است.

متن مقابلہ شدہ حدیث شریف کسای یمانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ،
عَنْ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ:

[بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ]^١

سَمِعْتُ فَاطِمَةَ^٢ أَنَّهَا قَالَتْ: دَخَلَ عَلَيَّ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ^٣ فِي بَعْضِ
الْأَيَّامِ، فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةُ، فَقُلْتُ: عَلَيْكَ السَّلَامُ^٤،

١- «ق».

٢- «ق»: + الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ
سَلَّمَ.

٣- «ع»: + صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

٤- «ق»: + وَ.

٥- «ق»: + يَا أَبَتَاهُ.

قال^١: إِنِّي أَجِدُ^٢ فِي بَدَنِي ضَعْفًا، فَقُلْتُ لَهُ: أُعِيدُكَ بِاللَّهِ يَا أَبَتَاهُ
مِنَ الضَّعْفِ، فَقَالَ^٣: يَا فَاطِمَةُ أَيَّتَنِي بِالْكِسَاءِ الْيَمَانِيِّ، فَعَطَّيْنِي
بِهِ، فَاتَّيْتُهِ بِالْكِسَاءِ الْيَمَانِيِّ، فَعَطَّيْتُهُ بِهِ، وَ صِرْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهِ، وَ
إِذَا وَجْهُهُ يَتَلَاوُ كَأَنَّهُ الْبَدْرُ فِي لَيْلَةٍ تَمَامِهِ وَكَمَالِهِ.

فَمَا كَانَتْ إِلَّا سَاعَةً وَإِذَا بَوَلَدِي الْحَسَنُ^٥ قَدْ أَقْبَلَ وَقَالَ:
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَاهُ، فَقُلْتُ: وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا قُرَّةَ عَيْنِي وَ
ثَمَرَةَ فُؤَادِي، فَقَالَ^٦: يَا أُمَاهُ، إِنِّي أَشَمُّ عِنْدَكَ رَائِحَةً طَيِّبَةً،

١- «ق»: فَقَالَ.

٢- «ق»: لَأَجِدُ.

٣- «خ»: + عَلَيْهِ السَّلَامُ.

٤- «خ»: + قَالَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ.

٥- «ق»: + عَلَيْهِ السَّلَامُ.

٦- «ق»، «ع»، «م»: + لِي.

كَانَهَا رَائِحَةً جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ ^١، فَقُلْتُ: نَعَمْ ^٢، إِنَّ جَدَّكَ ^٣ تَحْتَ
 الْكِسَاءِ، فَأَقْبَلَ الْحَسَنُ ^٤ نَحْوَ الْكِسَاءِ وَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ
 يَا جَدَّاهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ^٥، أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَدْخَلَ مَعَكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ؟
 فَقَالَ: وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي وَيَا صَاحِبَ حَوْضِي قَدْ أَذِنْتُ
 لَكَ، فَدَخَلَ مَعَهُ تَحْتَ الْكِسَاءِ.

فَمَا كَانَتْ إِلَّا سَاعَةً، وَإِذَا بُولَدِي الْحُسَيْنِ ^١ قَدْ أَقْبَلَ وَقَالَ:
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّاهُ، فَقُلْتُ: وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي وَيَا قُرَّةَ



١- «ق» ، «ع»: + صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

٢- «ق»: + يَا وَلَدِي.

٣- «م»: + نَائِمٌ.

٤- «ق»: + عَلَيْهِ السَّلَامُ.

٥- «ع»: + صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

٦- «ق»: فَإِذَا.

عَيْنِي وَ ثَمَرَةَ فُؤَادِي ، فَقَالَ لِي : يَا أُمَاهُ ، إِنِّي أَشَمُّ عِنْدَكَ رَائِحَةً طَيِّبَةً ، كَانَهَا رَائِحَةُ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ ، فَقُلْتُ : نَعَمْ^٣ إِنَّ جَدَّكَ وَ أَخَاكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ ، فَدَنَى الْحُسَيْنُ^٤ نَحْوَ الْكِسَاءِ ، وَ قَالَ : السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَدَّاهُ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ اخْتَارَهُ اللَّهُ ، أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ ؟ فَقَالَ^٥ : وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي وَ يَا شَافِعَ أُمَّتِي ، قَدْ أَذِنْتُ لَكَ . فَدَخَلَ مَعَهُمَا تَحْتَ الْكِسَاءِ .

١- «خ» : + وَ إِذَا بَوَّلَدِي الْحُسَيْنِ ، «م» : بِالْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ .

٢- «ق» ، «ع» ، «خ» : + عَلَيْهِ السَّلَامُ .

٣- «ق» ، «ع» ، «م» : يَا بُنَيَّ .

٤- «ق» : + عَلَيْهِ السَّلَامُ ، «م» : + مِنْهُ .

٥- «م» : + هَذَا .

٦- «ع» : + صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ ، «م» : + لَهُ .

فَاقْبَلْ^١ عِنْدَ ذَلِكَ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ^٢ وَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ^٣ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ^٤، فَقُلْتُ: وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَبَا الْحَسَنِ وَيَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، فَقَالَ: يَا فَاطِمَةُ! إِنِّي أَشَمُّ عِنْدَكَ رَائِحَةً طَيِّبَةً، كَانَتْهَا رَائِحَةُ أَخِي وَابْنِ عَمِّي رَسُولِ اللَّهِ، فَقُلْتُ: نَعَمْ هَا هُوَ مَعَ وَلَدَيْكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ، فَاقْبَلْ^٥ عَلَيَّ^٦ نَحْوَ الْكِسَاءِ وَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَكُونَ^٧ مَعَكُمْ تَحْتَ

١- «م»: ثُمَّ اقْبَلْ.

٢- «ع»: + عَلَيْهِ السَّلَامُ.

٣- «ق»: + يَا فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ.

٤- «ق»، «ع»: + صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

٥- «م»: + نَحْوَهُ.

٦- «ع»: + عَلَيْهِ السَّلَامُ.

٧- «م»: ادْخُلْ.

الْكِسَاءِ؟ قَالَ لَهُ: ^١ وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَخِي وَ يَا وَصِيَّي وَ
خَلِيفَتَي وَ صَاحِبَ لِيَوَائِي ^٢، قَدْ أَذِنْتُ لَكَ؛ فَدَخَلَ عَلَيَّ ^٣ تَحْتَ
الْكِسَاءِ.

ثُمَّ أَتَيْتُ نَحْوَ الْكِسَاءِ وَقُلْتُ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَتَاهُ يَا رَسُولَ
اللَّهِ ^٤ أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ؟ قَالَ: ^٥ وَ عَلَيْكَ
السَّلَامُ يَا بَنْتِي وَ يَا بَضْعَتِي، قَدْ أَذِنْتُ لَكَ، فَدَخَلْتُ ^٦ تَحْتَ
الْكِسَاءِ.

١- «م»: + نَعَمْ.

٢- «ق»: + فِي الْمَحْشَرِ نَعَمْ.

٣- «ع»: + عَلَيْهِ السَّلَامُ، م: + مَعَهُمْ.

٤- «ق»، «ع»: + صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ.

٥- «ق»: + لِي، «م»: + نَعَمْ.

٦- «ق»: + مَعَهُمْ.

فَلَمَّا اكْتَمَلْنَا^١ جَمِيعاً تَحْتَ الْكِسَاءِ، أَخَذَ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ بِطَرْفِي
 الْكِسَاءِ، وَ أَوْمَىءَ بِيَدِهِ الْيُمْنَى إِلَى السَّمَاءِ وَقَالَ: اللَّهُمَّ إِنَّ
 هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَ خَاصَّتِي وَ حَامَّتِي لَحُمُهُمْ لَحْمِي وَ دَمُهُمْ
 دَمِي، يُؤْلَمُنِي مَا يُؤْلَمُهُمْ، وَ يَحْزَنُنِي مَا يَحْزَنُهُمْ، أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ
 حَارَبَهُمْ، وَ سَلَمٌ لِمَنْ سَالَمَهُمْ، وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُمْ، وَ مُجِبٌ
 لِمَنْ أَحَبَّهُمْ، إِنَّهُمْ مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُمْ، فَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ
 وَ رَحْمَتَكَ وَ غُفْرَانَكَ وَ رِضْوَانَكَ عَلَيَّ وَ عَلَيْهِمْ، وَ اذْهَبْ عَنْهُمْ
 الرَّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً.

فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: يَا مَلَأَيْكَتِي وَ يَا سُكَّانَ سَمَاوَاتِي! إِنِّي مَا
 خَلَقْتُ سَمَاءً مَبْنِيَّةً، وَ لَا أَرْضاً مَدْحِيَّةً، وَ لَا قَمَراً مُنِيرًا، وَ
 لَا شَمْساً مُضِيَّةً،^٢ وَ لَا فَلَكَأَ يَدُورُ، وَ لَا بَحْراً يَجْرِي، وَ لَا فُلْكَأَ

١- «ق»: + وَ اجْتَمَعْنَا.

٢- «غ»: وَ لَا فَلَكَأَ تَجْرِي إِلَّا لِأَجْلِ الْخَمْسَةِ الَّذِينَ تَحْتَ الْكِسَاءِ.

يَسْرِي^١، إِلَّا فِي مَحَبَّةٍ هَؤُلَاءِ الْخَمْسَةِ الَّذِينَ هُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ.
 فَقَالَ الْأَمِينُ جِبْرَائِيلُ: يَا رَبَّ^٢! وَمَنْ تَحْتَ الْكِسَاءِ؟ فَقَالَ^٣
 عَزَّوَجَلَّ^٤: هُمْ أَهْلُ بَيْتِ النَّبُوَّةِ، وَمَعْدِنُ الرِّسَالَةِ،^٥ هُمْ فَاطِمَةُ وَ
 أَبُوهَا وَبَعْلُهَا وَبَنُوهَا.
 فَقَالَ جِبْرَائِيلُ: يَا رَبَّ أَتَأْذَنُ لِي^٦ أَنْ أَهْبِطَ إِلَى الْأَرْضِ،^٧ لِأَكُونَ
 مَعَهُمْ سَادِسًا؟ فَقَالَ اللَّهُ^٨: نَعَمْ^١ قَدْ أَذِنْتُ لَكَ.

١- «ق»، «ع»: تَسْرِي.

٢- «ع»: فَقَالَ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ.

٣- «ق»، «ع»، «م»: + اللَّهُ.

٤- «ع»: جَلَّ جَلَالُهُ، «م»: سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى.

٥- «ق»، «ع»، «م»: + وَ.

٦- «م»: يَا رَبَّ.

٧- «ع»: أَنْزَلَ إِلَيْهِمْ وَأَبَشَّرَهُمْ.

٨- «ق»: + عَزَّوَجَلَّ.

فَهَبَطَ الْأَمِينُ جِبْرَائِيلُ وَقَالَ^٢: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ^٣
 الْعَلِيُّ الْأَعْلَى يُقْرِئُكَ السَّلَامَ، وَيَخُصُّكَ بِالتَّحِيَّةِ وَالْإِكْرَامِ، وَ
 يَقُولُ لَكَ: وَعِزَّتِي وَجَلَالِي! إِنِّي مَا خَلَقْتُ سَمَاءً مَبْنِيَّةً، وَ
 لَا أَرْضًا مَدْحِيَّةً، وَلَا قَمَرًا مُنِيرًا^٤، وَلَا شَمْسًا مُضِيَّةً، وَلَا فَلَكَأً
 يَدُورُ، وَلَا بَحْرًا يَجْرِي، وَلَا فُلْكَأً يَسْرِي^٥، إِلَّا لِأَجْلِكُمْ وَ
 مَحَبَّتِكُمْ، وَقَدْ أَذِنَ لِي أَنْ أَدْخُلَ مَعَكُمْ^٦، فَهَلْ تَأْذَنُ لِي^٧

١- «م»: فَإِذَا النِّدَاءُ.

٢- «ق»: + لِأَبِي.

٣- «ق»، «ع»: + صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، «غ»: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ
 يَا حَبِيبِي يَا مُحَمَّدُ! رَبُّكَ.

٤- «غ»: + وَلَا جَنَّةَ وَلَا نَارًا.

٥- «ق»، «ع»: تَسْرِي.

٦- «م»: + تَحْتَ هَذَا الْكِسَاءِ.

٧- «م»، «ق»: + أَنْتَ.

يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ^١ رَسُولُ اللَّهِ: وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَمِينَ وَحَيَّ اللَّهُ
 إِنَّهُ نَعَمْ، قَدْ أَذِنْتُ لَكَ، فَدَخَلَ جَبْرَائِيلُ مَعَنَا تَحْتَ الْكِسَاءِ^٢.
 فَقَالَ^٣ لِأَبِي: إِنَّ اللَّهَ^٤ قَدْ أَوْحَى إِلَيْكُمْ يَقُولُ: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ
 لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾^٥.
 فَقَالَ^٦ عَلِيُّ لِأَبِي: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَخْبِرْنِي مَا لِيَجْلُوسَنَا هَذَا تَحْتَ
 الْكِسَاءِ مِنَ الْفَضْلِ عِنْدَ اللَّهِ؟ فَقَالَ النَّبِيُّ^٧: وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ

١- «ق»: + أَبِي.

٢- «م»: مَعَهُمْ وَقَالَ لَهُمْ.

٣- «ق»: + جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

٤- «م»، «ع»: + عَزَّوَجَلَّ.

٥- (٣٣) سورة الأحزاب: آية ٣٤.

٦- «م»: + أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ ابْنُ أَبِي طَالِبٍ.

٧- «م»، «ق»، «ع»: + صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

نَبِيًّا، وَاصْطَفَانِي بِالرَّسَالَةِ نَجِيًّا! مَا ذُكِرَ خَبَرُنَا هَذَا فِي مَحْفَلٍ
 مِنْ مَحَافِلِ أَهْلِ الْأَرْضِ، وَفِيهِ جَمْعٌ مِنْ شِيعَتِنَا وَ مُحِبِّينَا إِلَّا وَ
 نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ الرَّحْمَةُ، وَ حَفَّتْ بِهِمُ الْمَلَائِكَةُ، وَ اسْتَغْفَرَتْ لَهُمْ
 إِلَى أَنْ يَتَفَرَّقُوا، فَقَالَ عَلِيٌّ^١: إِذَا وَ اللَّهُ فُزْنَا وَ فَازَ^٢ شِيعَتُنَا وَ رَبُّ
 الْكَعْبَةِ.

فَقَالَ^٣ النَّبِيُّ ثَانِيًا^٤: يَا عَلِيُّ! وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا، وَ
 اصْطَفَانِي بِالرَّسَالَةِ نَجِيًّا، مَا ذُكِرَ خَبَرُنَا هَذَا فِي مَحْفَلٍ مِنْ
 مَحَافِلِ أَهْلِ الْأَرْضِ، وَفِيهِ جَمْعٌ مِنْ شِيعَتِنَا وَ مُحِبِّينَا، وَ فِيهِمْ

١- «م»: + عَلَيْهِ السَّلَامُ.

٢- «م»: فَازَتْ.

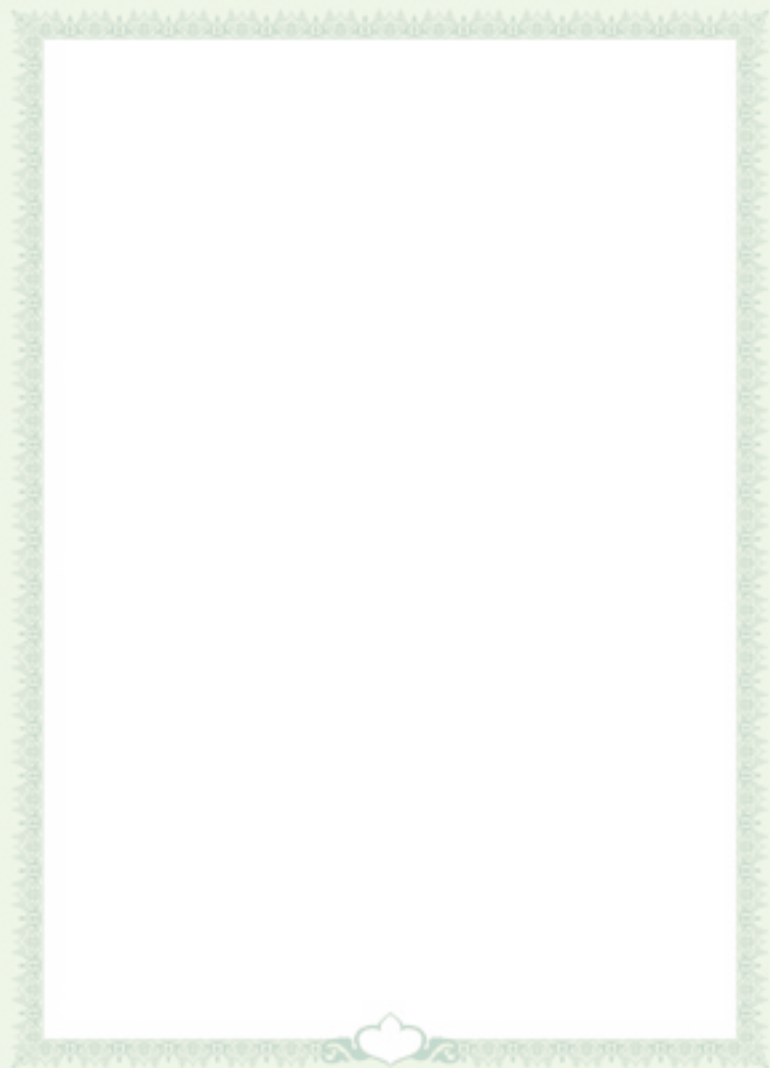
٣- «ق»، «ع»: أَبِي.

٤- «م»: فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ.

مَهُمُّومٌ إِلَّا وَفَرَّجَ اللَّهُ هَمَّهُ، وَلَا مَغْمُومٌ إِلَّا وَكَشَفَ اللَّهُ غَمَّهُ، وَ
 لَا طَالِبٌ حَاجَةٍ إِلَّا وَقَضَى اللَّهُ حَاجَتَهُ.
 فَقَالَ عَلِيٌّ^١: إِذَا وَاللَّهِ فُزْنَا وَسُعِدْنَا وَكَذَلِكَ شِيعَتُنَا، فَازُوا وَ
 سُعِدُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَبُّ^٢ الْكَعْبَةِ.

١- «م»: + عَلَيْهِ السَّلَامُ.

٢- «ق»، «ع»: بِرَبِّ.



حلیث شریف کسآ یمانی

بِسْنَدٍ صَحِيحٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ

جابر بن عبدالله انصاری رضی الله عنه به سند صحیح

عَنْ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام دختر پیامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: سَمِعْتُ فَاطِمَةَ أَنَّهَا قَالَتْ:

علیه و آله و سلم روایت کرده؛ گوید: از حضرت فاطمه شنیدم فرمود:

دَخَلَ عَلَى أَبِي رَسُولُ اللَّهِ فِي بَعْضِ الْأَيَّامِ فَقَالَ: السَّلَامُ

روزی پدرم رسول خدا نزد من آمد و فرمود: سلام

عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةُ فَقُلْتُ: عَلَيْكَ السَّلَامُ قَالَ: إِنِّي أَجِدُ

بر تو ای فاطمه! عرض کردم: سلام بر شما. فرمود: در بدنم احساس

فِي بَدَنِي ضَعْفًا فَقُلْتُ لَهُ: أَعِظُكَ بِاللَّهِ يَا أَبَتَاهُ

ضعف و ناتوانی می‌کنم. به ایشان گفتم: پدرم! شما را به خدا می‌سپارم

مِنَ الضُّعْفِ فَقَالَ: يَا فَاطِمَةُ اِيتِنِي بِالْكِسَاءِ الْيَمَانِيِّ

از ضعف و ناتوانی. فرمود: ای فاطمه! عبای یمانی را برایم بیاور

فَغَطَّيْنِي بِهِ فَاتَيْتُهُ بِالْكِسَاءِ الْيَمَانِيِّ فَغَطَّيْتُهُ بِهِ

و مرا با آن بپوشان. من عبای یمنی را برای ایشان آوردم و ایشان را با

وَ صِرْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهِ وَإِذَا وَجْهُهُ يَتَلَأَلُّو كَأَنَّهُ الْبَدْرُ

آن پوشاندم و مشغول نگریستن به ایشان شدم، چهره ایشان مانند ماه

فِي لَيْلَةٍ تَمَامِهِ وَكَمَالِهِ. فَمَا كَانَتْ إِلَّا سَاعَةً وَإِذَا

در شبی که تمام و کامل است، می درخشید. لحظه‌ای بیش نگذشت که

يُولَدِي الْحَسَنَ قَدْ أَقْبَلَ وَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّاهُ

فرزندم حسن داخل شد و گفت: سلام بر شما ای مادر.

فَقُلْتُ: وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا قَرَّةَ عَيْنِي وَثَمَرَةَ فُؤَادِي فَقَالَ:

گفتم: و سلام بر تو ای نور چشمم و میوه دلم. سپس گفت:

يَا أُمَّاهُ إِنِّي أَسْمُ عِنْدَكَ رَاحِحَةٌ طَيِّبَةٌ كَأَنَّهَا رَاحِحَةٌ

نزد شما بوی خوشی را احساس می‌کنم، گویا بوی

جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقُلْتُ: نَعْمَرَانِ

جدّم رسول خدا صلی الله علیه و آله است. گفتم: آری، همانا

جَدَّكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ فَأَقْبَلَ الْحَسَنُ مَحْوَ الْكِسَاءِ وَقَالَ:

جدّت در زیر عبا آرمیده است. آنگاه حسن به سوی عبا رفت و گفت:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَدُّاهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَدْخُلَ

سلام بر شما ای جدّ من و ای پیامبر خدا به من اجازه می‌دهید تا همراه

مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ؟ فَقَالَ: وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي

شما به زیر عبا وارد شوم؟ حضرت فرمودند: سلام بر تو ای فرزندم

وَيَا صَاحِبَ حَوْضِي قَدْ أَذِنْتُ لَكَ فَدَخَلَ مَعَهُ

و ای صاحب حوض من. آری به تو اجازه دادم. پس او با آن حضرت

تَحْتَ الْكِسَاءِ فَمَا كَانَتْ إِلَّا سَاعَةً وَإِذَا بِوَلَدِي الْحُسَيْنِ

به زیر عبا رفت. لحظه‌ای بیش نگذشته بود که فرزندم حسین

قَدْ أَقْبَلَ وَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّاهُ فَقُلْتُ: وَعَلَيْكَ

از راه رسیده و گفت: سلام بر شما ای مادر! گفتم: و سلام بر

السَّلَامُ يَا وَلَدِي وَيَا قُرَّةَ عَيْنِي وَثَمَرَةَ فُؤَادِي فَقَالَ لِي:

تو ای فرزندم! ای نور دیده‌ام و میوه دل‌م. پس به من گفت:

يَا أُمُّهُ إِنِّي أَشَمُّ عِنْدَكَ رَاحِحَةً طَيِّبَةً كَأَنَّهَا رَاحِحَةُ جَدِّي

ای مادر! بوی خوشی را نزد شما احساس می‌کنم؛ گویا بوی جدّم

رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقُلْتُ: نَعَمْ إِنَّ جَدَّكَ

رسول خدا صلی الله علیه و آله است. گفتم: آری، همانا جد

وَإِخَاكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ فَدَنَى الْحُسَيْنُ نَحْوَ الْكِسَاءِ وَقَالَ:

و برادرت زیر عبا هستند. پس حسین نزدیک عبا شد و عرضه داشت:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَدَّاهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ اخْتَارَهُ اللَّهُ

سلام بر شما ای جدّ من. سلام بر شما ای برانگیخته شده خداوند!

أَتَأْتِدُنِي لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ؟ فَقَالَ: وَعَلَيْكَ

به من اجازه می‌دهید در زیر عبا همراه شما باشم؟ فرمودند: سلام

السَّلَامُ يَا وَلَدِي وَيَا شَافِعَ أُمِّتِي قَدْ أَذِنْتُ لَكَ فَدَخَلَ

بر تو ای فرزندم و ای شفاعت کننده امّت، آری به تو اجازه دادم. او نیز

مَعَهُمَا تَحْتَ الْكِسَاءِ فَأَقْبَلَ عِنْدَ ذَلِكَ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ

همراه آن دو، وارد عبا شد. در این هنگام ابوالحسن علی بن

أَبِي طَالِبٍ وَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ فَقُلْتُ:

ابی طالب وارد شده و فرمود: سلام بر تو ای دختر رسول خدا. گفتم:

وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَبَا الْحَسَنِ وَيَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ:

و سلام بر تو ای ابوالحسن و ای امیرالمؤمنین. پس فرمود:

يَا فَاطِمَةُ إِنِّي أَشْمُ عِنْدَكَ رَائِحَةً طَيِّبَةً كَأَنَّهَا رَائِحَةُ أَخِي

ای فاطمه بوی بسیار نیکویی نزد شما احساس می‌کنم گویا بوی برادر من

وَأَبْنِ عَمِّي رَسُولِ اللَّهِ فَقُلْتُ: نَعَمْ هَاهُوَ مَعَ وَلَدَيْكَ

و پسرعمویم رسول خداست. گفتم: آری، ایشان به همراه دو فرزند من

تَحْتَ الْكِسَاءِ فَأَقْبَلَ عَلِيٌّ نَحْوَ الْكِسَاءِ وَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ

زیر عبا هستند حضرت علی رو به سوی عبا کرد و عرض نمود: سلام بر

يَا رَسُولَ اللَّهِ أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ؟

تو ای رسول خدا آیا اجازه می‌فرمایید در زیر عبا با شما همراه باشم؟

قَالَ لَهُ: وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَخِي وَيَا وَصِيَّي وَخَلِيفَتِي

پیامبر به او فرمود: سلام بر تو ای برادر و ای جانشین و ای خلیفه من

وَصَاحِبِ لُؤَائِي قَدْ أَذِنْتُ لَكَ فَدَخَلَ عَلَيَّ تَحْتَ الْكِسَاءِ

و ای پرچمدار من، آری به تو اجازه دادم. حضرت علی نیز وارد عبا شد

ثُمَّ أَتَيْتُ نَحْوَ الْكِسَاءِ وَقُلْتُ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَتَاهُ

سپس من به سوی عبا آمدم و عرض کردم: سلام بر شما ای پدرم

يَا رَسُولَ اللَّهِ أَتَأْذِنُ لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ؟

ای رسول خدا! آیا به من اجازه می‌دهید که در زیر عبا همراه شما باشم؟

قَالَ: وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا بِنْتِي وَيَا بَضْعَتِي قَدْ أَذِنْتُ لَكَ

فرمود: سلام بر تو ای دخترم و ای پاره تنم! آری به تو اجازه دادم.

فَدَخَلْتُ تَحْتَ الْكِسَاءِ فَلَمَّا اكْتَمَلْنَا جَمِيعًا تَحْتَ الْكِسَاءِ

من نیز به زیر عبا داخل شدم. چون همگی ما زیر عبا قرار گرفتیم

أَخَذَ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ بِطَرَفِي الْكِسَاءِ وَأَوْمَى بِيَدِهِ الْيُمْنَى

پدرم رسول خدا دو طرف عبا را گرفته و با دست راستش به سوی

إِلَى السَّمَاءِ وَقَالَ: اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰؤُلَاءِ اَهْلُ بَيْتِي

آسمان اشاره کرد و عرض نمود: خدایا اینان خاندان من و نزدیکان ویژه من

وَ خَاصَّتِي وَ حَامَّتِي لِحَمِّهِمْ لِحَمِي وَ دَمِّهِمْ دَمِي

هستند گوشت آنان گوشت من و خون آنان خون من است مرا به درد آورد

يَوْمَ لِمَنِي مَا يَوْمَ لِمَهُمْ وَ يَحْزُنُنِي مَا يَحْزُنُهُمْ اَنَا حَرْبٌ

آنچه ایشان را به درد آورد و مرا اندوهگین کند آنچه ایشان را اندوهگین کند

لِمَنْ حَارَبَهُمْ وَ سَلِمَ لِمَنْ سَالَمَهُمْ وَ عَدُوٌّ لِمَنْ

در ستیزم با هرکس با ایشان در ستیز باشد و در صلح و آشتی ام با هرکه با

عَادَاهُمْ وَ مُحِبٌّ لِمَنْ أَحَبَّهُمْ اِنَّهُمْ مِنِّي وَ اَنَا مِنْهُمْ

ایشان در صلح باشد و دشمنم با دشمنان ایشان و دوستدار دوستان ایشان

فَاَجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ رَحْمَتَكَ وَ غُفْرَانَكَ

هستم. اینان از من هستند و من از ایشان هستم. بارالها! درودها و برکت‌ها و

وَ رِضْوَانَكَ عَلَيَّ وَ عَلَيْهِمْ وَ اَذْهَبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ

رحمت و آمرزش و رضوان خود را بر من و ایشان قرار ده و هرگونه ناپاکی

وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: يَا مَلَأْنِيكَ

را از ایشان دور کن و ایشان را به طور ویژه پاک گردان. پس خداوند

وَيَا سُكَّانَ سَمَوَاتِي إِنِّي مَا خَلَقْتُ سَمَاءً مَبْنِيَّةً

عزوجل فرمود: ای فرشتگان من و ای ساکنان آسمانهایم! همانا من

وَلَا أَرْضًا مَدْحِيَّةً وَلَا قَمَرًا مُنِيرًا وَلَا شَمْسًا مُضِيَّةً

نیافریدم هیچ آسمان برافراشته و زمین هموار و ماه روشن و خورشید

وَلَا فَلَكَائِدُورٌ وَلَا بَحْرًا يَجْرِي وَلَا فَلَكَائِتَسْرِي

درخشنده و فلک گردان و رود و دریای جاری و هیچ کشتی حرکت

إِلَّا فِي مَحَبَّةٍ هَؤُلَاءِ الْخَمْسَةِ الَّذِينَ هُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ

کننده ای را مگر به خاطر دوستی این پنج تن که زیر این عبا گرد آمده اند

فَقَالَ الْأَمِينُ جِبْرَائِيلُ: يَا رَبِّ وَمَنْ تَحْتَ الْكِسَاءِ؟

جبرئیل امین عرض کرد: ای پروردگارا! چه کسانی در زیر عبا هستند؟

فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: هُمْ أَهْلُ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَمَعْدِنُ الرِّسَالَةِ

خداوند عزوجل فرمود: آنان خاندان نبوت و گنجینه رسالت اند،

هُمْ فَاطِمَةُ وَأَبُوهَا وَبَعْلُهَا وَبَنُوهَا فَقَالَ جَبْرَائِيلُ:

ایشان فاطمه‌اند و پدرش و شوهرش و دو فرزندش. پس جبرئیل عرض

يَا رَبِّ أَتَأْذِنُ لِي أَنْ أَهْبِطَ إِلَى الْأَرْضِ لِأَكُونَ مَعَهُمْ

کرد: پروردگارا آیا به من اجازه می‌دهی تا به زمین فرود آیم تا

سَادِسًا؟ فَقَالَ اللَّهُ: نَعَمْ قَدْ أَذِنْتُ لَكَ فَهَبَطَ الْأَمِينُ

ششمین ایشان باشم؟ خدا فرمود: آری، به تو اجازه دادم. آنگاه جبرئیل

جَبْرَائِيلُ وَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَلَعَلِّي

امین به زمین فرود آمد و عرض کرد: سلام بر تو ای رسول خدا

الْأَعْلَى يُقَرِّئُكَ السَّلَامَ وَيَخْصُّكَ بِالتَّحِيَّةِ وَالْإِكْرَامِ

خداوند برتر و والا به شما سلام می‌رساند و شما را به درود و اِکرام

وَيَقُولُ لَكَ: وَعِزَّتِي وَجَلَالِي إِنِّي مَا خَلَقْتُ سَمَاءً

ویژه داشته و به شما می‌فرماید: به عزّت و جلالم سوگند! هیچ آسمان

مَبْنِيَّةً وَلَا أَرْضاً مَدْحِيَّةً وَلَا قَمَراً مُنِيراً وَلَا شَمْساً

برافراشته و زمین گسترده و ماه تابنده و خورشید

مُضَيِّتَةً وَلَا فَلَكَ يُدَوِّرُ وَلَا بَحْرًا جَرِيٍّ وَلَا فَلَكَ يُسْرِي

درخشنده و فلک گردان و دریای جاری و هیچ کشتی حرکت کننده ای را نیافریدم

إِلَّا لِأَجَلِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ وَقَدْ أَذِنَ لِي أَنْ أَدْخُلَ مَعَكُمْ

مگر به خاطر شما پنج تن و دوستی شما. و مرا نیز اجازه داد تا همراه با شما

فَهَلْ تَأْذِنُ لِي يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: وَعَلَيْكَ

داخل در عبا شوم. ای رسول خدا به من اجازه می دهید؟ رسول خدا فرمود:

السَّلَامُ يَا أَمِينَ وَحَيَّ اللَّهُ إِنَّهُ نَعَمْ قَدْ أَذِنْتُ لَكَ فَدَخَلَ

سلام بر تو ای امانت دار و حی خدا، آری به تو اجازه دادم. پس جبرئیل همراه

جِبْرَائِيلُ مَعَنَا تَحْتَ الْكِسَاءِ فَقَالَ لِأَبِي: إِنَّ اللَّهَ قَدْ

ما به زیر عبا داخل شد. سپس به پدرم عرض کرد: خداوند به سوی شما و حی

أَوْحَى إِلَيْكُمْ يَقُولُ: إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمْ

نموده، می فرماید: همانا خدا اراده کرده است هرگونه ناپاکی را از شما

الرَّجَسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا

خاندان دور کند و شما را به طهارتی ویژه مخصوص دارد.

فَقَالَ عَلِيُّ لِأَبِي: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَخْبِرْنِي مَا لِيَجْلُوسِنَا

پس حضرت علی به پدرم عرض کرد: ای رسول خدا! به من خبر دهید که

هَذَا تَحْتَ الْكِسَاءِ مِنَ الْفَضْلِ عِنْدَ اللَّهِ؟ فَقَالَ النَّبِيُّ:

برای این گردهمایی ما نزد خداوند چه فضیلتی است؟ پیامبر فرمود: سوگند به

وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا وَاصْطَفَانِي بِالرَّسَالَةِ نَجِيًّا

آن کسی که مرا به حق به پیامبری برانگیخت و به رسالت برگزید، خبر

مَا ذَكَرْ خَبَرْنَا هَذَا فِي مَحْفَلٍ مِنْ مَحَافِلِ أَهْلِ

گرد آمدن ما در زیر این عبا در هیچ محفلی از محافل اهل زمین که در آن

الْأَرْضِ وَفِيهِ جَمْعٌ مِنْ شِيعَتِنَا وَمُحِبِّينَا إِلَّا وَنَزَلَتْ

جمعی از شیعیان و دوستان ما گرد آمده باشند ذکر نشود مگر اینکه رحمت بر

عَلَيْهِمُ الرَّحْمَةُ وَحَفَّتْ بِهِمُ الْمَلَائِكَةُ وَاسْتَغْفَرَتْ

ایشان فرود آمده و فرشتگان آنان را در بر گرفته و برای آنها استغفار می کنند

لَهُمْ إِلَى أَنْ يَتَفَرَّقُوا فَقَالَ عَلِيُّ: إِذَا وَاللَّهِ فُرْنَا وَفَارَ

تا وقتی که پراکنده شوند. پس حضرت علی فرمود: بنابراین به خدا قسم

شِيعَتِنَا وَرَبِّ الْكَعْبَةِ فَقَالَ النَّبِيُّ ثَانِيًا: يَا عَلِيُّ

رستگار شدیم و به خدای کعبه سوگند شیعیان ما نیز رستگار شدند. آنگاه

وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا وَاصْطَفَانِي بِالرَّسَالَةِ

پیامبر بار دیگر فرمود: ای علی سوگند به کسی که مرا به حق به پیامبری

نَحِيًّا مَا ذَكَرْ خَبَرْنَا هَذَا فِي مَحْفَلٍ مِنْ مَحَافِلِ

برانگیخت و به رسالت برگزید خبر گرد آمدن ما در زیر این عبا، در هیچ

أَهْلِ الْأَرْضِ وَفِيهِ جَمْعٌ مِنْ شِيعَتِنَا وَمُحِبِّينَا

محفلی از محافل زمینیان که جمعی از شیعیان و دوستان ما در آن گرد آمده

وَفِيهِمْ مَهْمُومٌ إِلَّا وَفَرَّجَ اللَّهُ هَمَّهُ وَلَا مَغْمُومٌ

باشند ذکر نشود، در حالی که در میان آنان اندوهگینی باشد، مگر اینکه خداوند

إِلَّا وَكَشَفَ اللَّهُ غَمَّهُ وَلَا طَالِبُ حَاجَةٍ إِلَّا

اندوه او را برطرف سازد و غمگینی نباشد مگر اینکه خداوند غم را از او

وَقَضَى اللَّهُ حَاجَتَهُ فَقَالَ عَلِيٌّ: إِذَا وَاللَّهِ فُرْنَا

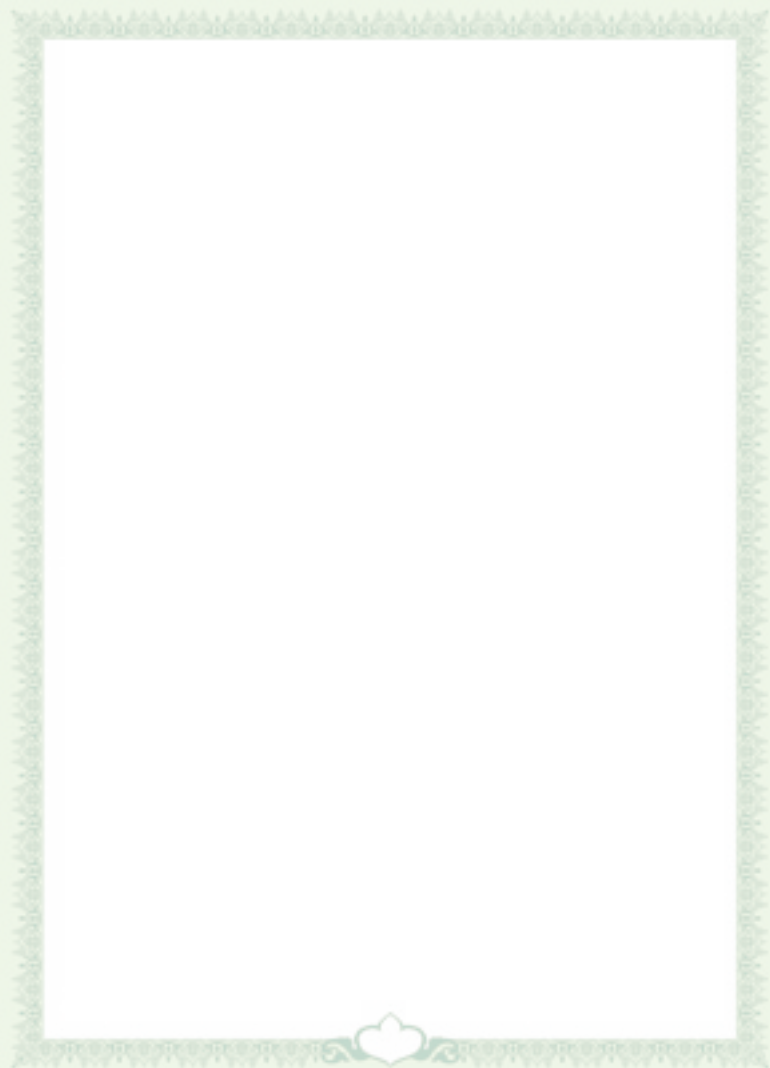
بردارد و نیازمندی نباشد مگر اینکه خداوند حاجتش را برآورد آنگاه حضرت

وَسُعِدْنَا وَكَذَلِكَ شِيعَتُنَا فَاذُوا وَسُعِدُوا

علی فرمود: به خدا سوگند! ما رستگار و سعادتمند شدیم همچنین شیعیان ما.

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَبِّ الْكَعْبَةِ

سوگند به خدای کعبه! شیعیان ما در دنیا و آخرت رستگار و سعادتمند شدند.



آداب و ثواب

برای خواندن حدیث شریف کسا، طهارت لازم نیست؛ ولی برای نتیجه‌گیری بهتر، خوب است با طهارت ظاهر و باطن، توجّه و حضور قلبی، رو به قبله و با ایمان و اعتقاد به استجاب دعا، خوانده شود.

خواندن حدیث شریف کسا دارای ثواب و اجر معنوی بسیار می‌باشد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

فرود آمدن رحمت الهی، زیرا از مجالس احیای امر اهل بیت علیهم‌السلام و ذکر فضائل آنان است، گرد آمدن فرشتگان در آن مجلس و درخواست آمرزش فرشتگان از خداوند برای خوانندگان دعا تا هنگامی که دعا تمام شود، برطرف شدن غم و اندوه و پریشانی از خوانندگان این حدیث شریف، برآورده شدن حاجت‌های خواننده این دعا از جانب خدای تعالی و رستگاری دنیا و آخرت.

توصیه و خاتمه

بر مؤمنان و موالیان حضرات معصومین صلوات الله علیهم
اجمعین است که به وسیله انس با مجالس توسّل و ذکر فضائل
و مناقب ائمه اطهار علیهم السلام و توسّلات وارد شده از جانب
آنها، ارتباط خود را با آن حضرات، هرچه بیشتر نموده و
مانند مجالس دعاهاى ندبه، توسّل و کمیل و زیارت‌های
عاشوراء، آل یاسین و جامعه کبیره که بحمدالله تعالی در
مساجد و حسینیه‌ها و خانه‌ها از رونق خوبی برخوردار است،
جلسه‌هایی تشکیل داده و این حدیث شریف را زمزمه نموده
و از درگاه خداوند متعال رفع گرفتاری‌ها، به ویژه درخواست
تعبیل فرج اعلی حضرت آیه الله العظمی، ولیّ الله الأعظم و
صاحب الامر، الحجة بن الحسن المهدی عجل الله تعالی فرجه
الشریف و شفا و بهبودی عاجل بیماران را درخواست نمایند.
امید است مؤمنان و خوانندگان محترم، این کمترین شیفته

خاندان عصمت و طهارت عليهم السلام را از دعای خیر فراموش
نکنند.

اللّهُمَّ بِحَقِّ فَاطِمَةَ و ابيها و بعلمها و بنيتها
و السِّرِّ المستودع فيها، عَجِّلْ لَوَلِيِّكَ الفرج و العافية و النّصر.

تمام شد در سحرگاه جمعه ۲۳ شعبان المعظم ۱۴۱۷ هـ

و الحمد لله ربّ العالمين .

حیدر حسین الترتبی الكربلائی

عَنْ الْإِمَامِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَسَى كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ
نَحْنُ حُجَّ الدِّعَاءِ عَلَى خَلْقِهِ جَدَّتْنَا فَاطِمَةُ تَحْتَجُّ لِلَّهِ عَلَيْنَا

امام حسن زکی عسکری علیہ السلام فرمودند:
ما امامان حجت مای خدا بر آفریدگان او هستیم
و جدّه ما حضرت فاطمه حجت خدا بر ماست.

أطیب البیان فی تفسیر القرآن ج ۱۳ ص ۲۲۵

کتاب نامه

الذکر الحکیم: کلام الله تبارک و تعالیٰ .

نهج البلاغة: امام امیر المؤمنین علیؑ (شہید در سال ۴۰ ہجری).

اطیب البیان فی تفسیر القرآن: سید عبدالحسین طیب متوفای قرن ۱۵ ہجری، انتشارات اسلام .

اعلام الدین فی صفات المؤمنین، شیخ حسن بن أبی الحسن واعظ دیلمی، متوفای قرن ہشتم ہجری، چاپ مؤسّسة آل البيتؑ .

امل الآمل فی علماء جبل عامل، شیخ محمد بن الحسن حرّ عاملی (ت ۱۱۰۴ھ.ق)، مکتبة الأندلس بغداد ۱۳۸۵ .

ارشاد القلوب الى الصواب ، شيخ حسن بن ابی الحسن واعظ
دیلمی ، متوفای قرن هشتم هجری ، نشر دار الأسوة .
جَنَّةُ الْعَاصِمَةِ در تاریخ ولادت و حالات حضرت فاطمة سلام
الله علیها : سیّد حسن میرجهانی (ت ۱۴۱۳ هـ.ق) ، نشر کتابخانه
صدر تهران ۱۳۸۹ .

غرر الاخبار و درر الآثار في مناقب أبي الأئمة الأطهار عليهم السلام :
شيخ حسن بن ابی الحسن واعظ دیلمی ، متوفای قرن هشتم
هجری ، نسخه خطی دانشگاه تهران و چاپ مكتبة العلامة
المجلسی ۱۴۲۷ .

المنتخب الكبير في المراثي و الخطب : شيخ فخرالدین بن
محمد علی بن احمد طریحی نجفی (ت ۱۰۵۸ هـ.ق) طبع بیروت .
آية التّطهير في أحاديث الفريقين : سیّد علی موحد ابطحی
معاصر ، چاپ سیّد الشهداء علیه السلام قم .

آية التطهير في الخمسة أهل الكساء: سيّد محى الدين موسى
غريفى، معاصر، چاپ العلمیّة نجف اشرف ۱۳۷۷ هجرى.
بصائر الدّرجات الكبرى في فضائل آل محمّد ﷺ: محدّث
جليل محمّد بن الحسن صفّار (ت ۵۲۹۰ هـ.ق)، چاپخانه شرکت
۱۳۸۰ هجرى.

بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمّة الأطهار ﷺ: علامه
ملا محمّد باقر مجلسى (ت ۱۱۱۱ هـ.ق)، چاپ مؤسّسة الوفاء
بيروت ۱۴۰۴ هجرى.

تأويل الآيات الظّاهرة في فضائل العترة الطّاهرة ﷺ: سيّد
شرف الدّين حسينى استرآبادى (ت ۹۴۰ هـ.ق)، مؤسّسه امام
مهدي عجل الله فرجه و مدرّسين قم و ارشاد اسلامى.
تكملة أمل الآمل: سيّد حسن صدر (ت ۱۳۵۴ هـ.ق)، كتابخانه
سيّد مرعشى ۱۴۰۶ قمرى.

ذخائر العقبى في مناقب ذوي القربى ﷺ: محب الدين احمد
 بن عبدالله طبرى (ت ٦٩٤ هـ.ق) مكتبة القدسى القاهرة و
 مؤسّسة دارالكتاب الإسلامى - قم، ١٤٢٨ هجرى .
 الذريعة إلى تصانيف الشيعة: آقا بزرگ تهرانى شيخ محمد
 محسن (ت ١٣٨٩ هـ.ق)، نشر اسماعيليان و اسلاميه .
 زندگانی حضرت فاطمه زهرا سلام الله عليها: حسين عماد
 زاده اصفهانی، انتشارات اسلام ١٣٧٥ هـ.ش .
 سفينة البحار و مدينة الحكم و الآثار: محدث قمى شيخ عباس
 (ت ١٣٥٩ هـ.ق)، چاپ دار الأسوة .
 شرح احقاق الحق: سيّد شهاب الدّين مرعشى نجفى
 (ت ١٤١١ هـ.ق)، چاپ كتابخانه سيّد مرعشى ١٤٠٩ هجرى .
 الصّواعق المحرقة: احمد بن حجر هيثمى شافعى (ت ٩٧٤ هـ.ق) .

عوالم العلوم: شیخ عبدالله بحرانی متوفای قرن ۱۲ هجری،
جلد یازدهم چاپ دوم و سوم نشر مؤسسه امام مهدی عجل
الله فرجه ۱۳۸۲ شمسی.

الکنى و الألقاب: محدث شیخ عباس قمی (ت ۱۳۵۹ ه.ق)
نشر مكتبة الصدر تهران.

مستدرک سفینه البحار: شیخ علی نمازی شاهرودی
(ت ۱۳۸۴ ه.ق) چاپ مؤسسه بعثت تهران ۱۴۰۹ هجری.

مسند فاطمة الزهراء عليها السلام: سیّد حسین شیخ الإسلامی
تویسرکانی، معاصر، نشر دارالقرآن الکریم قم ۱۴۱۲ هجری.
مسند فاطمة الزهراء عليها السلام: محمد مهدی جعفری، معاصر،
نشر مرضیه تهران ۱۴۱۴ هجری.

مجمع النورین و ملتقى البحرين فيما وقع من الجور على
والدة السبطين: ملا ابو الحسن مرندی (ت ۱۳۴۹ ه.ق) با
واسطه مستدرک سفینه البحار.

وفاة الزهراء عليها السلام: سيّد عبدالرزاق موسى مقرّم (ت ۱۳۹۱ هـ.ق)
شريف رضى ۱۴۱۳ هجرى .

فهرست مطالب

۷	پیش‌گفتار.....
۱۱	مقدمهٔ اوّل : شبهه‌ها دربارهٔ حدیث کساء.....
۱۴	منابع حدیث کساء.....
۲۴	چگونگی صاحبان منابع حدیث.....
۲۹	نظم حدیث کساء.....
۳۲	چند نکته.....
۳۸	منابع، اسناد و راویان حدیث.....
۳۹	مقدمهٔ دوّم : اضافات و پاسخ به سایر شبهه‌ها.....
۵۵	رمزهای نام منابع برای ذکر اختلاف نسخه‌ها.....
۶۹	متن مقابله شدهٔ حدیث شریف کسای یمانی.....
۷۱	متن رایج حدیث شریف کسای یمانی.....
۸۵	آداب و ثواب.....
۸۶	توصیه و خاتمه.....
۸۹	کتاب‌نامه.....

از آثار فارسی مؤلف محترم

حلاج، مرتدی به دار آویخته

پرتوی حق (پانچ به شجاعت و بیان)

پرسش و پاسخ ها (جلد ۱، ۲، ۳ و ...)

پژوهشی نوپیرامون حدیث شریف کسای میانی

حریم وحیا (ماونحناء مولا)

زیارات پنج آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین العاشر ائیه (با ترجمه فارسی)

شرح زیارت شریفه جامعه کبیره (جلد ۱، ۲، ۳ و ...)

گنیده ای از فقه طه و آل یاسین صلوات الله علیهم اجمعین

گنیده ای از فقه طه و آل یاسین صلوات الله علیهم اجمعین مناسک

محبوب محبوب (ربا، حجاب، ریش تراشی، شطرنج و موسیقی از دیدگاه قرآن و عترت)

